

بطالت می گذرانیم

(جمعی اظهار کردند اینطور نیست و مدتی در کمیسیونها کار می کنند)

فتح الدوله

بنده هم جزو کمیسیون هستم و میدانم هفته ای ۶ ساعت بیشتر اینجا کار نمی کنیم تقریباً هفته سه جلسه است و در هر جلسه دو ساعت بیشتر مجلس رسمی نیست و روزی یک ساعت هم در کمیسیون هستیم و مابقی آن را بیکاریم در اینصورت ممکن است وقت مجلس را زیاد کنیم بطوریکه هر روز مجلس دائر باشد و ما بیاییم در قوانین نظر کنیم بعقیده بنده چیز مشکلی نیست البته مجلس وقتی کار داشته باشد هر روز پنج ساعت مجلس را ادامه می دهیم و قوانینی که دولت پیشنهاد میکند در مجلس مورد بحث قرار می دهیم پس این دلیل هم بنظر بنده وجه نیست و اما اینکه فرمودند مجلس دوم و سوم هم اینکار را کرده و سابقه دارد بنده این را سوء سابقه نمی دانم و سابقه را وقتی دلیل قرار می دهند که حسن سابقه باشد مواد قانونی برخلاف آن سابقه صراحت نداشته باشد.

وقتی که مواد قانون اساسی که ام القوانین است با الصراحت برخلاف این ترتیب حکم کند و بگوید قوانین حتماً باید از مجلس بگذرد اگر ما بخواهیم این مسئله را به کمیسیون واگذار کنیم برخلاف قانون اساسی است و باید بخواست نکشید و گفت این مسئله سوء سابقه است و چند ماده در قانون اساسی هست که اگر اجازه بفرمایند می خواهم تا معلوم شود که قانون اساسی چه قسم دستور وضع قوانین را می دهد قانون اساسی می گوید هر قانونی که از مجلس شورای ملی بگذرد و بوجه همایونی برسد صورت قانونی ندارد و بوقع اجرا گذارده نمی شود بنده می بینم که اگر بخواهیم در این زمینه قیودی یا تری حرف بزنیم شاید بملاحظات فعلی وزارت عدلیه مسکنه وارد یابد این جهت بنده بیشتر از این عرض نمی کنم اما این گفته موقتی هم که در قوانین عدلیه گذارده اند بعقیده بنده دلیل موقتی بودن نمی شود برای اینکه دو از ده سال است این قوانین در عدلیه مجری است و ابداً کسی نیارده که از مجلس شورای ملی بگذراند و بنده از آقای وزیر عدلیه خیلی متشکر می شوم اگر آن قوانین سابق را هم که سابقاً است و وقتاً بوقع اجرا گذارده اند و آن اصلاحاتی را که در آنها در نظر گرفته اند بنده این قوانین تصویبی کمیسیون بفرمایند و بیاورند از مجلس شورای ملی بگذرانند تا قوت قانونیت را بحدود بگیرند (ماو کلاً اصلاحاتی برای مجلس نفس واد قانون اساسی نداریم و اگر مجلس در این خصوص رأی بدهد برخلاف قانون اساسی عمل کرده)

(جمعی اظهار داشتند خبر اینطور نیست)
آقای میرزا محمد نجات - سواد من کور در این خوانید فتح الدوله - بعقیده بنده اینطور است مثلاً اصل چهل و هفتم میگوید (مادام که مجلس سنا تشکیل نشده فقط امور بعد از تصویب مجلس شورای ملی بوجه همایونی موجه و بوقع اجرا گذارده خواهد شد

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره چهارم

معنی این ماده اینست که قوانین تا تصویب مجلس نرسد صورت قانونیت ندارد پس باید اول تصویب مجلس برسد آن وقت بوقع اجرا گذارده شود و اگر تصویب کمیسیون باشد صورت قانونی ندارد اصل شانزدهم میگوید (کلیه قوانین که برای تشبیه مناه دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانه ها لازم است باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد اصل هفدهم لایحه لازم را در ایجاد قانونی با تغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجوده مجلس شورای ملی در موقع لزوم حاضر مینماید که بتصویب مجلس سنا بوجه همایونی رسیده و بوقع اجرا گذارده شود حالا که مجلس سنا نیست باید قوانین تصویب مجلس شورای ملی برسد و بوجه همایونی موجه شده بوقع اجرا گذارده شود بنده این لایحه بر ضد قانون اساسی است و ماو کلاً صلاحیت نداریم بر ضد اصول قانون اساسی رأی بدهیم حالا مواد دیگری هم باز هست مثلاً اصل بیست و یکم سی و سوم و سی و چهارم که اگر باز زیاد تر بگویم باعث تصدیق آقایان خواهد شد

محمّد هاشم میرزا - خبر بفرمایند چون بعد باید جواب بدهم

فتح الدوله - خودتان قانون اساسی را بگیریید اصول ذیل را ملاحظه فرمائید اصل ۳۱ و ۳۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۴۷ تقریباً هفت هشت ماده در قانون اساسی است که قید میکند نسخ و اصلاح و وضع کلیه قوانین با مجلس شورای ملی است و پس از موشع شدن بوجه همایونی باید بوقع اجرا گذارده شود و منتهی تصویب کمیسیون کافی نیست اگر ما معتقد باشیم که یک کمیسیون پنج شش نفری بنشیند و قانون بگذرانند و بوقع اجرا گذارده شود و معتاد بآمدن در مجلس نباشد دیگر مجلس شورای ملی فلسفه ندارد در هر وزارتخانه مسکن است پنج شش نفر از رؤسا و اعضای درجه اول و دوم بنشینند و قانونی وضع کنند و بوقع اجرا گذارند در اینصورت ما مجلس لازم نداریم بالاخره بنظر بنده باید تمام قوانین بمجلس بیاورند از نظر تمام نمایندگان بگذرد تا صورت قانونی پیدا کند و بنده تصور می کنم که نمیتوانیم این حق را بکمیسیون بدهیم این حق اختصاصی مجلس است و قوانین غربیه هم بعضی حقوق اختصاصی هست مثلاً حق قضاوت اختصاص بخش قضای دارد و نمیتواند این حق را ب دیگری واگذار کند یا بقرض حق انتخاب که باید تفرقه گیرنده شخصاً برود تفرقه را بگریز و پس از اوشتن اسم منتخب شخصاً برود و در صندوق بیندازد و نمیتواند این حق را به دیگری بدهد ولو اینکه برادرش باشد و در شرح هم حقوق اختصاصی خیلی است

آقای میرزا هاشم آشتیانی تمام عبارات همین طور است
فتح الدوله - بلی بفرمایش آقای عبارات همین طور است مثلاً حقوقی که زوج و زوجه نسبت به یکدیگر دارند نمیتوانند ب دیگری واگذار کنند فرض این است که در شرح هم حقوق اختصاصی هست مجلس سه وظیفه اختصاصی دارد یکی حق قانونگذاری

است که حق مجلس است و نمیتواند این حق را بکمیسیون واگذار کند و یکی بوده مملکتی است که در باب بوده هم سهل انگاری حکوریم و آنطور گذشت اگر قانون گذاری با کمیسیون باشد پس وظیفه مجلس چیست ؟ همین طور بوده مملکتی هم بایستی در مجلس مطرح شود و اگر غیر از این باشد مجلس فلسفه ندارد آقای وزیر عدلیه دوم قدمه فرموده اند لایحه قانونی بمجلس پیشنهاد میشود و بنظر بنده هم لایحه قانونی است زیرا لایحه قانونی دارای مقدمه ای است که حاوی دلایل باشد این لایحه هم دارای مقدمه و هم دارای مواد است پس باید قبلاً بکمیسیون مربوط که کمیسیون عدلیه است برود در آنجا مطالعاتی به کند بعد بمجلس آمده مطرح شود اگر اجازه فرمایند ماده سی ام قانون اساسی را بخوانم

میرزا محمد نجات - در قانون اساسی چنین چیزی نیست
فتح الدوله - بعقیده اشتباه کردم در نظامنامه داخلی است

اصل سی ام لایحه مذکوره که طبع و توزیع خواهد شد باید دارای مقدمه باشد که مضمون دلایل آن است لایحه بتوسط رئیس مجلس به شعبه ها یا چنانکه در ماده ۲۳ ذکر شده به کمیسیون مربوط فرستاده می شود که پس از ابرور آن کمیسیون لایحه قانونی در مجلس مطرح شود
بنده باین دلایلی که عرض کردم شایسته نمیدانم که قوانین پیشنهادی وزارت عدلیه از مجلس بگذرد چون برخلاف صریح ماده قانون اساسی است و باید در مجلس شورای ملی بیاورند و پس از تصویب مجلس بوقع اجرا گذارده شود و چنانچه در مواقع اجرا نوافقی در آنها دیده شده آن نوافض را نوشته یا ذکر دلالتش بمجلس بیاورند تا رفع آن نوافض بشود پس ما نمیتوانم حقوق اختصاصی خود ما را بکمیسیون واگذار کنیم همانطور که آقای حائری زاده فرمودند ماوکیل در توکیل نیستیم و به عقیده بنده تمام قوانین باید بمجلس بیاورند و از نظر نمایندگان بگذرد تا صورت قانونیت پیدا کند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده قبلاً نسبت باین قسمت از فرمایش نماینده معترم می خواهم تنقید کنم که فرمودند اوقات نمایندگان به بیکاری و تعطیل میگذرد اگر آقای فتح الدوله بیکار هستند بنده نمیدانم ولی بنده باندازه اوقات مستغرق است که بسر پرستی عده که تکفل آنها را خداوند بمن محول فرموده نمیرسم در کمیسیونها صبح تا عصر مشغولیم هفته سه روز در کمیسیون بوده جلسات داریم هفته دو سه روز هم در فراکسیونها هستم که قبل از اینک مطالب در مجلس مطرح شود در آنجا باطل افکار بکنیم اگر آقای بیکار باشند بنده نمیدانم تصور نمی کنم هیچیک از نمایندگان منکر باشند که وضع قوانین از الزام لازم است و ما امروز نمیتوانیم بگوئیم که مملکت ما

دوره چهارم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

قانون لازم ندارد مخصوصاً عدلیه که محل رسیدگی امور داخلی و خارجی است ممکن است کسی مثل آقای حائری زاده در نظر داشته باشد که فعلاً عدلیه و قوانین آن لازم نیست و باید ملقی گردد و چند ماده قانون نوشته شود که اصول محاکمات بسط و حکمت قطع و فصل شود این یک امری است که اگر موفق شوند و در مملکت مجری شود سایر مللی که در اینجا اقامت دارند تصدیق کنند خیلی خوب است زیرا اصول حکمت خیلی سهل و ساده است

شیخ الاسلام آشتیانی - قوانین ما را که دیگران نباید بنویسند
آقای میرزا هاشم آشتیانی - حکمت یکی از قوانین ما است

آقا شیخ اسدالله - بطور کلی قوانین ما الزام بحکمت نیست قانون شرع ما اینطور است (اگر غیر از این است و آقایان اطلاع دارند بفرمایند که حکمت باختیارات در موارد معینی اگر طرفین راضی شوند ولی در هر صورت بنده داخل آن مرحله نمیشوم و بقیه فرمایش خود را عرض می کنم آقایان فتح الدوله فرمودند که این مسئله برخلاف قانون اساسی است از اول تا آخر مواد قانون اساسی و نظامنامه را خواندند خلاصه فرمایش ایشان این بود که باید قوانین از تصویب مجلس بگذرد بنده تصور می کنم اگر مجلس رأی بدهد که قانون در کمیسیون تصویب و بوقع اجرا گذارده شود خود این رأی مجلس رأی قانونی است نظامنامه و قانون اساسی و کلاً را در وضع قوانین محسوس نکرده است ممکن است قوانین را در مجلس بیاورند و بطور کلی یا ماده ماده رأی بدهند تصور نمی کنم هیچیک از اصول قانون اساسی ما را در این نظریه محدود کرده باشد و آن قسمت هم که فرمودند وکیل در تشکیل نیستیم بعقیده بنده این حرف ایشان در اینجا عنوان ندارد زیرا خود مجلس رأی می دهد که فلان قانون از کمیسیون بگذرد و بوقع اجرا گذارده شود نه اینکه یک نماینده دیگری و کالت بدهد که تو از طرف من رأی بده این حکایت و کالت در توکیل نیست البته اگر ما حق نداشته باشیم بکمیسیون اجازه دهیم وزارت عدلیه این لایحه را بمجلس پیشنهاد نمیکرد و تقاضا نمیکرد که کمیسیون عدلیه قوانین را در تحت نظر قرار دهد

قسمت دیگر از اعتراضات که اساسی است بنظر بنده فقط نگرانی است که آقای شیخ الاسلام دارند که ممکن است قوانین در کمیسیون برود و در آنجا مسامحه و غفلت شود و مناسب با مقتضیات مملکت و مذهب مملکت با مناسب اخلاق ما بگذرد و بیشتر نگرانی آقای شیخ الاسلام هم از این بود که شاید دولت قانون جزای عرفی را بکمیسیون ببرد و بقبولاند و کمیسیون هم رأی بدهد آنوقت این قانون از قوانین موضوعه مملکتی بشود
البته بنده هم این مطلب را تصدیق میکنم که

قوه قضائیه مملکت باید مطابق قوانین مذهبی باشد و جنبه روحانیت دارد و خیلی هم با اهمیت است و تصور نمیکنم دیگران هم غیر از این عقیده داشته باشند اما نسبت بشرئیات و تشکیلات و تقاضیات و بعضی از جزئیاتی که امروزه در دنیا معمول است باید مطابق قوانین ملل متدینه آنها را در نظر بگیریم و راجع باصول تشکیلات است ربطی باصل قضاوت و دیانت ندارد و باید این مراحل و موارد را از یکدیگر تفکیک کنیم و یک قسمت عده محاکمات که در سابق مجلس تصویب کرده است گمان می کنم مطابق اصول مذهبی باشد و اما این ترتیبات وزارت عدلیه که دو سه نفر عضو بنشینند و رأی بدهند و مدعی و مدعی علیه چهار نفر بنشینند تصور نمیکنم مخالفتی با قوانین مذهبی داشته باشد زیرا اهمیتی ندارد که محکمه بطور تشکیل شود و ترتیب اعضاء و جریان محاکمه و دادن رأی بجه طریق باشد

اما راجع باصل مطلب که قضاوت باشد قانون مذهبی ما قانون قاطعی است و قضا و شهادت و اصول معاملات و غیره که شارع بنا دستور داده جامع و کلی و بهترین قوانین دنیا است و اگر مطابق ترتیب امروزه ماده ماده نوشته شود بعقیده بنده نفس در آن نیست و در عدلیه هم امروزه قانون مذهبی معمول است و از همین نقطه نظر وقتی که در کمیسیون بوده راجع بیودجه مدرسه حقوق که در تشکیلات عدلیه است مذاکره بود (چون میگفتند شبهات معین اروپائی در آنجا تدریس میکنند و یک عده شاگرد هم آنجا میروند و می خوانند آن را رسمیت بدهند و بگویند این مدرسه حقوق است) بنده گفتم که این را عقیده ندارم زیرا مدرسه حقوق که در این مملکت باید معمول باشد نظامنامه او باید نوشته شود و باید در روی اصول قضا و شهادت و قوانین مذهبی باشد اگر چه شاگردان مدرسه حقوق باید قوانین سایر دول را نیز تحصیل کنند و اطلاعات و بصیرت داشته باشد ولی چیزی که می تواند مستند رأی محکمه باشد در مملکت ایران قانون مذهبی ما است که هیچ نقضی در آن نیست و بنده بیشتر بآن اهمیت میدهم و مدرسه حقوقی هم که بعد از این تاسیس خواهد شد باید این مطلب را بیشتر در آنجا اهمیت بدهند و از این نقطه نظر است که بنده عرض می کنم شاگردها که امروز در این مدرسه حقوق فعلی (حالا بمدرسه سیاسی کاری ندارم بجهت اینکه خارج از موضوع است و قانون اصول محاکمات عدلیه هم آنها را مستثنی نکرده است و باید شاگردان آنها امتحان بدهند) مشغول تحصیل میباشد مطابق قانون اگر بتوانند داخل عدلیه شوند آنها هم بعقیده بنده باید امتحان بدهند زیرا آن مدرسه حقوقی که قانون گذار در نظر داشته است مطابق نظامنامه دیگری خواهد بود و غیر از این مدرسه امروزه است و آن نظامنامه هنوز نوشته نشده است البته شاگردیکه از آن مدرسه بیرون میاید محتاج با متعان نیست و به عدلیه باید وارد شود حالا این مسئله خارج از موضوع

مذاکرات است اما راجع باین اعلانی که وزارت عدلیه در خصوص امتحان مستخدمین کرده است و یک عده شکایت دارند و نمیخواهند شاگردان مدرسه سیاسی را از امتحان استثناء کنند و وزارت عدلیه هم استثنائی قرار نداده بنده تصدیق دارم که تحصیلات مدرسه سیاسی خیلی خوب است ولی تحصیلاتی که نموده اند رویه دیگری است این مدرسه اساساً برای وزارت خارجه تحصیل داده شده و شاگردانش برای آنجا تحصیل می کنند مناسبی با عدلیه ندارد از این مطلب هم بگذریم اما (که ممکن است بعضی از آقایان در این قسمت باینده موافق نباشند) که اگر مجلس تصویب کند قوانینی که به کمیسیون عدلیه میبرود بوقع اجرا گذارده شود یک کار بزرگ و سنگینی است برای کمیسیون عدلیه (هم چنانکه بعضی از آقایان نگران هستند) و بایشان هم حق میدهم که شاید اعضاء کمیسیون غفلت کنند نظر باین مطلب پیشنهاد شده است و خود بنده هم آنرا اعضاء کرده ام که اگر مجلس موافقت کند در آن موقع کمیسیون عدلیه از اعضاء بصیر مجلس و هم چنین از اشخاص بصیر که در خارج از مجلس هستند تشکیل شود و هر قانونی که میاید بمناسبت تحصیل هر کس نسبت بآن قانون در کمیسیون عدلیه دعوت شوند و مشاورت نظریات آن اشخاص بصیر در داخل و خارج مجلس این قوانین در آن تصویب و تصویب شود اگر هر آینه این اجازه را این مجلس بکمیسیون بدهد بنده که عضو کمیسیون هستم مسکن است باز این مشولیت و ذمت را قبول کنم و اگر مجلس این اجازه را بدهد و بگوید خارج از قانون است و ممکن هست اشخاص خارج دعوت شوند و غیر از اعضاء کمیسیون عدلیه اعضاء سایر کمیسیونها نمیتوانند مشارکت در مشاوره بکنند بنده که بکنفر عضو کمیسیون هستم وقتی دینم از همه انجام این وظیفه بر نمیایم استعفا می دهم داد که بجای من دیگری انتخاب شود این است که بنده از مخالفت هائی که نسبت باین پیشنهاد وزارت عدلیه شده بیشتر از همه نگرانی آقای شیخ الاسلام را محل توجه قرار میدهم اگر این قضیه راحل گردند و آقایان اطمینان کامل بکمیسیون پیدا کردند و ثابت شد که اعضاء کمیسیون عدلیه یک اشخاص مسلمان و متدینی هستند و رأی دادند و این نگرانی رفع شد البته ایرادات دیگری که عده اذیتی ندارد ولی اگر خدای نکرده نسبت به بنده یا رفقای بنده سوءظنی داشته باشند حق دارند چون اطمینان کامل ندارند و مطلب هم اساسی است نمی توانند رأی بدهند باقی اظهارات دیگر را بنده اساسی نمی بینم و این پیشنهاد وزارت عدلیه را هم هیچ مخالف قانون نمی دانم اگر آن سوءظن مرتفع شود بنده بهترین اقسام اصلاح قوانین عدلیه را اینطور می دانم که بکمیسیون رجوع شود و در کمیسیون هر اصلاحی لازم است بعمل میاید و بعد هم در ضمن عمل نوافض آنرا وزارت پیشنهاد کند زیرا اگر قوه قضائیه اصلاح شود بعقیده بنده قسمت عده اصلاحات مملکتی هم در پیرو آن اصلاح خواهد شد

ولی اگر آقایان بخواهند که قوانین عدلیه مجلس بیاید و در هر یک از مواد آن دو ماه سه ماه مذاکره شود یک مخالف هائی نسبت بآن قوانین خواهد شد که بکلی آنرا فلج خواهد کرد و اول روز بدبختی مملکت است

رئیس - آقایان محمد هاشم میرزا و تدین و مستشار السلطنه موافق هستید آقای تنکسبانی موافقت با مخالف ؟

آقا میرزا طاهر تنکسبانی - موافقت
رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی حطوط
حاج میرزا مرتضی - مخالف
رئیس - بفرمائید

حاج میرزا مرتضی - البته آقایان تصدیق بفرمائید که هر امری بفرموده مقام یک نفر اداره شود به خط و خطا نزدیکتر است تا بفرموده مقام ده نفر امر فاصله باید و هم چنین اگر بفرموده نفر سکاری اداره شود بخطا و خطا نزدیکتر است تا بفرموده مقام ده نفر شرکت داشته باشد و تبادل افکار شود بنده تصور می کنم این قوانین که آقایان

وزیر میخواهند بکمیسیون ببرند و در آنجا مطرح مذاکره شود و بعد بموقع اجرا بگذارند البته اگر بمجلس بیاورند و در اینجا مطرح شود از هر جهت معایب و معاسن او بیشتر معلوم خواهد شد زیرا در مجلس تمام نمایندگان مشارکت پیدا میکنند و تبادل افکار میشوند و البته اگر نقص و عیبی داشته باشد رفع میشود و محسّنات او زیاده تر است خصوصاً قوانین قضائی که برای حفظ جان و مال مردم وضع شده است.

اینها یک قوانینی نیست که به رای و فکر ده دوازده نفر اعضاء کمیسیون عدلیه واگذار کنیم که یک چنین قوانینی برای پنجاه کرور ملت وضع کنند و اگر دوست فکر کنیم فلسفه تشکیل مجلس و ایجاد مشروطیت برای همین قضایا بوده است که کار های مملکت بواسطه فکر یک شخص اداره نشود و یک جمعیتی در آن شرکت داشته باشد تا اینکه از خبط و خطا دورتر و بصلاح و صواب نزدیکتر باشد بنده تصور میکنم اگر چنانچه این قوانین همین طور که بعضی از آقایان فرمودند بمجلس بیاید از همه حیث بهتر است.

بنده و همه آقایان هر کدام نظریاتی داریم اظهار میکنیم و بنده تصور میکنم اگر ممکن باشد بمجلس اجازه بدهد که بطور غیر رسمی نظریات اشخاص خارجی که در این کار متخصص هستند جلب شود و اصلاح و صواب نزدیکتر است بواسطه آنکه در این قوانین که برای مملکت وضع می شود در نظر نظریات اشخاص بیشتر دخالت داشته باشد البته بهتر و اولی خواهد بود و البته نظریات یک جمعیت کمتر بخبط خواهد رفت ولی ممکن است یک جمعیت ده دوازده نفری در خیلی از مسائل خبط یا اشتباه کنند و همین سبب میشود که این قوانین نقص پیدا کند و مجبور شوند

که دومرتبه مجلس پیشنهاد کند اگر بفرمائید آوردن بمجلس اسباب مصلی گذشتن قوانین می شود عرض میکنم این یک دلیل مهمی نمی شود برای اینکه بمجلس را مجبور کنند که رای بدهد حفظ قوانین در کمیسیون مطرح خود.

زیرا الان دوازده سال است باین قوانینی که بمجلس نیامده عمل میکنند اغلب این قوانین هم که بمجلس نیامده در صورتیکه اگر بمجلس آمده بود خیلی از معایب این قانون که بالفعل در دست است رفع شده بود مثلاً شش هفت ماه طول میکشید عدلیه هم ممکن است آقای وزیر عدلیه این قوانین را که میخواهند جلوتر ببرد بگذارند.

از مجلس بگذارند بعد بموقع اجرا بگذارند ولی اگر این قوانین فقط از کمیسیون بگذرد بموقع اجرا بگذارند شاید اسباب ضرر و خسارت کلی مردم بشود و بعد هم بنظر خودشان و دیگران خوب نیاید و مجبور شوند آنرا نقص کنند و قوانین دیگری به مجلس بیاورند.

بنابر این بنده عقیده دارم که بکمیسیون برود و از کمیسیون بمجلس بیاید و تمام نمایندگان در آن شرکت پیدا کنند و همانطور که سایر قوانین میگردد این قانون هم بگذرد و معایب آن رفع بشود آنوقت بموقع اجرا بگذارند که دیگر محتاج بالغاه و نقص و غیر ذلک نشوند.

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - این پیشنهادی که آقای وزیر عدلیه کرده اند بنظر بنده چیز تازه نیست همان طوریکه مکرر گفته شده این مطلب در مجلس سابقه دارد و مقداری هم در جلسه گذشته صحبت شد و اگر اجازه بفرمائید بنده امروز از آخر شروع میکنم آقای حاج میرزا مرتضی فرمودند این مسئله محقق و مسلم است اگر کارها بفرموده بگذرد به خط و خطا نزدیکتر است و اگر بفرموده چند نفر می گذرد از خط و خطا دورتر است اول ده نفر فرمودند بعد هفتاد نفر.

بنده خیلی خوشوقت شدم که بالاتر نرفتم و الا رفتراندم میشد و شامل تمام اهالی کرم ارض میشد پس باین قاعده اگر طبیعتاً تمام اهالی کرم ارض بشنوند و در مطلبی رای بدهند لابد از خطا مصون تر خواهد بود.

حالا از این خصوصیت میگدریم که اگر یک نفر باشد بیشتر احتمال خطا می رود تا هفتاد نفر اما در همین زمینه عرض می کنم آیا در نظر گرفته اند که در عده زیاد چه مقدار کار دیرتر می گذرد وقتی عده زیاده تر شد هر کدام میخواهیم یک حرفی بزنیم آنوقت در هر جلسه یکی دو نفر صحبت خواهند کرد و هر ماده دوسه ماه طول خواهد کشید به همین جهت در دوره دوم مجلس رای داد که این مسئله بکمیسیون عدلیه برود گویا قریب یکماه فقط در ماده اول قانون

عدلیه در معنی محاکم عمومی و خصوصی صحبت میکردند آخر الامر دیدند در مجلس هفتاد نفره این قانون بزودی نمیکرد.

زیرا در مجلس عمومی هر کس از یک نقطه نظر حرف میزند باین جهت این حق را بکمیسیون عدلیه دادند که یک عده اشخاص متخصص هم در آنجا بودند و در آن دوره دو نفر از اشخاص طراز اول یکی آقای مدرس و یکی آقای حاج امام جمعه خویی در اصلاح این قانون شرکت داشتند و با نظریات وزیر آن قوانین را اصلاح کردند و موقتاً بموقع اجرا گذاردند.

حالا اینجا مکرر گفته میشود که دوازده سال است این قوانین مجری بوده و به مجلس نیامده بنده هم تصدیق دارم مطابق تاریخ دوازده سال است گذشته رای بفرمائید در عرض این مدت چندوقت بوده است **شیخ الاسلام اصفهانی -** حالا که هست **سلیمان میرزا -** تعجب میکنم از این مطلب که این پیشنهاد هیچ دست کسی را نمی بندد و نمی رسد آن قوانینی که سابقاً از کمیسیون گذشته وزیر مجلس بیاورد که از نظر نمایندگان بگذرد و این دو ماده که در این پیشنهاد نوشته شده ابتدا چنین خبری را ندارد.

در ماده دوم می نویسد (که این اجازه شامل قوانینی است که از تاریخ تصویب این لایحه تا ۶ ماه از طرف وزیر عدلیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود) کجا این ماده مانع مقصود میشود البته آن قوانین که در دوره دوم و سوم کمیسیون عدلیه تصویب کرده و بعد عدلیه هم رفیه و عملیاتی در آن شده وزیر عدلیه یا رئیس الوزرا می توانند آن قوانین را بمجلس پیشنهاد بکنند و نظریات خودشان را هم ضمیمه نموده بفرمایند.

در ضمن عمل این اصلاحات حاصل شده است از این گذشته ما که یک اختیاراتی بوزیر عدلیه نمی دهیم ما یک عده از وکلا اجازه می دهیم که در قوانین نظر بکنند قوانین قضائیه آن را با موازین شرع و قوانین اداری آن را با موازین اداری تطبیق کنند و اگر نواقصی داشت اصلاح بکنند و بعد بموقع عمل بگذارند در ضمن عمل هم کاملاً نواقص آن معلوم گردیده پس از آن بمجلس بیاید و از نظر نمایندگان بگذرد این وکالت در توکیل نیست اگر این مسئله را وکالت در توکیل فرض بفرمائید ارجاعات بمقام کمیسیونهای مجلس هم باید همینطور باشد و گفته شود وکالت در توکیل است مگر اینجا نوشته شده است که بمجلس برنگردد البته باید بمجلس برنگردد.

شیخ الاسلام اصفهانی - قبل از اجرا باید بیاید بمجلس.

سلیمان میرزا - نهایت یک مدت محدودی از برایش معین میشود مگر باید حتماً شش ماه بکشد بعضی قوانین هست که باید در ظرف پنج هفته واریت آنها بمجلس بیاید مثلاً اگر یک قانونی را

در بدو تشکیل مجلس دادیم بکمیسیون عدلیه یا مالی و تا آخر آن دوره آن قانون بمجلس نرسید باید فهمید علتش چیست.

بنده علتش را میدانم چنانچه قانون منع احتکار در دوره دوم پیشنهاد شد و وقت بکمیسیون و دوره دوم تمام شد و قانون از کمیسیون بیرون نیامد بالاخره حالا میخواهیم که این قانون پس از تصویب کمیسیون بموقع اجرا بیاید یعنی من حیث المجموع می خواهیم کاری بکنیم که این قانون رسیت پیدا کند و آن حقوقانی را که در قانون اساسی خوانند البته صحیح است. قانون وقتی رسیت پیدا می کند که از مجلس بگذرد ولی ماصحه بعمل آنها میگذاریم و امضاه میکنیم که پس از تصویب کمیسیون بموقع اجرا گذارده شود آقای حائری زاده در مذاکرات قبل خودشان فرمودند (برای تساری دو اجرای قوانین) تساری بسیار خوب چیزی است و بنده با ایشان موافقت و آرزو مندم که قوانین بطور تساری در باره غنی و فقیر مجری شود اما به بینیم برای اینکه قوانین بطور تساری در باره فقیر رفتی و تمام مردم اجرا شود آیا وضع این قانون لازم نیست ؟ منتها مقصود ما همین است که میخواهیم تسریع کنیم که قوانین عدلیه وضع شود و غنی و فقیر در آنجا معا کف می شوند فقط اشکالی که در این است که معاکسات عدلیه معانی نیست اگر رسیدگی عدلیه را معانی معمول میگردد یعنی قوانین بیک ترتیبی نوشته میشود که حقوق و پول هیچ نبود فقرا و مستحق داشتند و بواسطه نداشتن پول اسقاط حقوق آنها عقب نمی افتاد این یک مسئله است که همیشه مرا متفکر و متذکر می کند که فقیر بیچاره و بی چیز وقتی از دست یک غنی عارض میشود اگر فرضاً استیفاف باشد باید قبل از وجهی تودیع کنند و امانت بگذارند تا برض آن رسیدگی کنند آن فقیر بیچاره آن وجه را از کجا بیاورد

البته چون پول و وجه ندارد احقاق حق از او نخواهد شد و همچنین آقای حائری زاده در جلسه قبل فرمودند (عادت سابقه این مملکت) اگر بنده اشتباه کرده باشم چون مال جلسه قبل است شاید بنده مراد ایشان را بد فهمیده ام لیکن عادت سابقه مملکت خیلی بد بوده است و بنده هیچ آرزو ندارم که آن ترتیب سابق یعنی نایب هادی خان و آن مجلس های حاکم و فراش باشی و همان چوب و چماق در کار باشد نقل میکنم وقتی که حکام خیلی مقدس بودند حکم میکردند.

آن معکوم علیه را چوب میزدند و حاکم خودش مشغول نماز میشد آنوقت آن بیچاره زیر چوب نرم میشد و چون آقا نماز می خواندند و خیلی هم نماز را طول میدادند دیگر کسی نمیتوانست شفاعت یا حمایت کند و اگر مقصود از آن عادت سابقه رجوع بقراین مذهب است همانطور که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند ما هیچکدام حق ملّا کردور آن نداریم آتما صدقنا اما هیچ صحبتش در اینجا نیست که آقای وزیر عدلیه قوانین مذهبی پیشنهاد کنند و اگر نظر آقایان به

قانون جزای عرفی است آنرا هم آقای رئیس الوزرا فرمودند که فعلاً بماند پس در اینصورت اگر فرض بفرمائید که یک قانون ثبت اسنادی که آنان در دست هست بیاورند و نوشته باشند برای آنکه اسناد معمول نباشد در فلان جا ثبت کنند از جهت اینکه هر روز کار کاغذ سازی نشود هیچ مخالفی با قانون شرع ندارد و می خواهند یک ترتیبی بکنند که اسناد معمول پیدا نشود و باز در ضمن صحبتها گفته شده است ترضیع حقوق عامه را بدست خودتان کرده ایم بنده بسک می بینم که اگر ما گذاردن قوانین عدلیه را باین قسم تصویب بکنیم آنوقت می توانیم بگوئیم ترضیع حقوق عامه را بدست خودمان کرده ایم

وقتی که قوانین مدون و حاضر شد ما می توانیم حقوق عامه را بدست خودمان حفظ کنیم مثلاً اگر قیصر از وزیری شکایت کند چون قانون محاسبات وزراء نوشته شده است یا فرضاً یک قانون مخصوص بنده بیاید بمجلس و در هر ماده آن ششام حرف بزنیم این فقیر بیچاره آیا حقوقش ترضیع نشده است ؟ و اگر اجازه بدهیم که قانون محاکمه وزراء هم بیاورد از آن لوائح بیاید بمجلس برود به کمیسیون و زود بگذرد و اجرا شود که این بدبخت مردم از هر یک از وزراء شکایت دارند می توانند در محاکمه تمیز برونند و شکایت کنند دولت مصونیت کلاه مضائق نباشد آیا تسریع کردن در وضع این قانون ترضیع حقوق عامه است ؟ یا عقب افتادن آن ترضیع حقوق عامه است ؟ بنده عرض میکنم که ما هر قدر در این باب عجله کنیم بیشتر حفظ حقوق عامه را کرده ایم اما نباید قانون را طوری نوشت که همیشه سرمایه داران از آن استفاده کنند بی چیزها محکوم و یا بواسطه نداشتن پول موقع محاکمه شان بگذرد بعقیده من باید سعی کرد تا قوانین بینی نوشته شود که عدلیه معانی باشد و فقیر و بی چیز بواسطه نداشتن پول از درد محاکمه برنگردد سرمایه داری یک قدرتی نشود تا ساقان در مملکت ما هر وقت کسی شخصی را میزند یا ظلمی میکند آن ظالم میگوید می توانی بعد از برو و شکایت بکن یعنی وقتی که بعد عدلیه رفتی و عارض شدی مخارج و کبل و بدايت و استیفاف و تمیز آنقدر تورا خورد خواهند کرد که علاوه بر ضررهای دیگر یک مقداری وقت خود را هم که در این مملکت متاسفانه کمتر بآن اهمیت میدهند (تلف کرده و خسارت زیادی تو وارد می آورند و بالاخره معلوم نیست که اگر حکمی هم صادر کنی بموقع اجرا بیاید یا اجرا شود نه هر حال چون خود بنده طرفدار این هستم که باید در این امر تسریع کرد شاید خود زیاد گوئی هم اسباب تعطیلی بشود بیش از این عرض نمیکند که وقت مجلس را تلف کرده باشم و خاتمه عرض میکنم که آقایان بنا بر فرمایشی که فرمودند کمیسیون عدلیه حدش کم است و مطابق فلسفه که فرمودند باید حدش را زیاد کنند حالا اگر هشت نفر است شانزده نفر بشود و آقای رئیس الوزرا هم آنروز یادآوری فرمودند

قانون محاکمات را کافی نمیداند
رئیس - مجلس مذاکرات را کافی نمیداند (گفته شد کافی است)
رئیس - رای میکنیم
حائری زاده - بنده اجازه میخواهم که جواب آقای حاج شیخ اسدالله را بدهم
سلیمان - بنده هم اجازه خواسته بودم
رئیس - ده یا نوزده نفر اجازه خواسته اند که مذاکره کنند رای میکنیم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند
(اکثر قیام نمودند)
رئیس - معلوم است کافی است اشخاصی که میخواهند مذاکرات کنند در ضمن طرح داد اول میتوانند مطالب خود را اظهار کنند چون اساس این لایحه در ماده اول است
(آقای تدین ماده اول را)
بعضون ذیل قرائت نمودند
ماده ۱ - بوزیر عدلیه اجازه داده میشود که کلیه قوانینی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد

که اگر ممکن است عده زیاد تر شود و این امر دست خودمان است پیشنهاد میکنم که کمیسیون عدلیه بعد از این شانزده نفر عضو داشته باشد و هشت نفر دیگر هم برای آن انتخاب کنند اما همه ماها گاهی نشتنیم از قوانین قضائی مطلع نیستیم مثل اینکه همه ما از قوانین مالیه مطلع نیستیم فرض بفرمائید وقتی هشت نفر بکمیسیون عدلیه بفرمایند آن هشت نفر در حقیقت مظهر افکار و عقاید تمام حاضرین آنجا خواهند بود ولی این رای که ما میدهم مخالف قانون اساسی نخواهد بود زیرا ما هیچکدام به آنها حق ندادیم که تو عرض من و خودت رای بدی بنده اگر آقای تنکسبانی را انتخاب کنم هیچ بایشان حق نمی دهم که رای هم عوض بنده بدهند آنکه گفته شود ما وکیل در توکیل نیستیم ایشان رای خودشان را میدهند و بعد از آنکه لایحه بمجلس آمد بنده هم رای خود را میدهم و برای گرفتن نتیجه باید جمع بین کارها کرد از یک طرف اجازه میدهم که کمیسیون آن لوائح را در دست نظر قرار دهد و از طرف دیگر آن لوائحی که دوازده سال است در موقع عمل بوده می آورند بمجلس و مجلس در آن رای بدهد که هر دو کار را کرده باشم در اینصورت ما بتوانیم زودتر یک عدلیه مرتبی و منظمی داشته باشیم زیرا همان طور که آقایان فرمودند اساس مشروطیت پایه اولش حفظ حقوق عامه است و آنهم معاکسات در عدلیه است پس اگر ما بخواهیم اولین پایه آزادی خودمان را محکم بکنیم باید یک عدلیه مرتب و منظمی داشته باشیم حالا حفظ حقوق شخصی باشد یا حفظ حقوق عمومی که بتوسط مدعی العموم میشود ولی اصل و عمده حفظ حقوق تأسیس مدرسه حقوق است تا مدرسه نباشد که حقوقدان تربیت کنند چطور میتوان کسی حفظ حقوق خود را بکند در هر حال ما می توانیم زودتر حقوق عامه را که در نظر داریم حفظ کنیم درس از وضع قوانین حقاً و عملاً محفوظ می ماند.

رئیس - مجلس مذاکرات را کافی نمیداند
(گفته شد کافی است)
رئیس - رای میکنیم
حائری زاده - بنده اجازه میخواهم که جواب آقای حاج شیخ اسدالله را بدهم
سلیمان - بنده هم اجازه خواسته بودم
رئیس - ده یا نوزده نفر اجازه خواسته اند که مذاکره کنند رای میکنیم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند
(اکثر قیام نمودند)
رئیس - معلوم است کافی است اشخاصی که میخواهند مذاکرات کنند در ضمن طرح داد اول میتوانند مطالب خود را اظهار کنند چون اساس این لایحه در ماده اول است
(آقای تدین ماده اول را)
بعضون ذیل قرائت نمودند
ماده ۱ - بوزیر عدلیه اجازه داده میشود که کلیه قوانینی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد

میشایند بعد از تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی موقتاً بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در محل و تکمیل نواقص آنها برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید

رئیس - آقای آشتیانی مخالفند
آشتیانی - بنده يك سؤالی دارم
رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده تصدیق داشتم که در این جلسه راجع باین پیشنهاد عرضی نکنم زیرا که میدانستم اکثریت مجلس بلکه قریب باتفاق این را بپذیرد و خواهد گذراند و مطالب من بی نتیجه است ولی چون آقای حاج شیخ اسدالله بنده حمله کردند بنده مجبورم توضیح بدهم که مطلب روشن باشد بنده اصلاً متکبر اساس عدلیه نیستم در قانون اساسی اصول عدلیه را دو قسمت کرده است يك قسمت راجع بشریات يك قسمت راجع بفریایات قسمت راجع بشریات راجع به حکام شرع میشود و قسمت فریایات رجوع به حاکم عدلیه میشود نظر من آن بود که فریایات که حکام شرع دخالت در آن نمی کنند با اصول حکمیت تمام بشود چون ملت ایران از قدیم تا بحال معتاد بوده اند که قضایا را بواسطه اجتماع چند نفر می گذرانده اند بنده گفت این را بصورت اداری بیرون بیاورید و چند ماده برای آن بنویسید تا این اندازه حقوق مردم پایمال نشود و اما راجع باین پیشنهاد بنده عرض می کنم هر قانونی که بمجلس آمد و بآن رای داده شد البته بموقع اجرا گذارده میشود اما قانونی که هنوز بمجلس نیامده و دیده نشده ظهور میشود رای داد که بموقع اجرا گذاشته شود آقای حاجی شیخ اسدالله فرمودند که (يكلی قانون رای می دهند و در ماده باده رای لازم نیست بدهند) يك قانون خیالی را که وزیر بعد بنویسند و بمجلس پیشنهاد بکنند و مجلس بفرستند بکمیسیون ما بکلی آن قانون چگونه مساعد رای بدهیم که اجرا کنند يك مصله دیگری که بنده سابقاً عرض کردم راجع به جریان محاکمه بوده است چون این قسم محاکمات در عدلیه مرسوم است اتخاذ از اصول محاکمات اروپا شده و برای حفظ سرمایه داری این قبیل محاکمات مفید است يك مصلحه به بداید و از بدایت باستیناف و تمیز و غیره رجوع شود البته فقیر نمی تواند حق الوکاله و حق تمیز و عشریه و دیه و غیر ذلک را بر داند این اصول برای سرمایه داری خیلی مفید است ولی يك مملکتی که معتاد به قوانین اسلام بوده است و اصول سرمایه داری هم يك موضوعی نشده است که بتوان بتفع آن قانون وضع کرد چه طور میشود این قوانین را مجری کرد و قانون اسلام مساوات حقیقی را مراعات کرده و هیچ ملاحظه غنی و فقیر را نکرده است و در محاکمات هم حقوقی معین ننموده و احاله باستیناف و تمیز و غیر ذلک را هم ابتداً فرار نداده که حقوق فقرا پایمال شود و من مخالفم قوانینی را تصویب بکنیم که با طبیعه يك صفوف ممتاز در مملکت تشکیل

بشود و اینکه مذاکره شد که سابقاً اجازه بکمیسیون عدلیه داده شده آقای فتح الدوله مخالفت این اجازه را با بعضی مواد قرائت فرمودند ولی دو ماده دیگر قانون اساسی تصریح دارد که تادر جلسه علنی مسئله مطرح نشده باشد قابل اجرائیت يکي اصل سیزده و دیگری اصل سی و چهار در اصل سیزده مخصوصاً می نویسد لذا کرات مجلس شورای ملی از برای آنکه نتیجه آن بموقع اجرا تواند گذارده تواند شد باید علنی باشد و روزنامه نویسی تماشای غیره باشد اصل ۴۴ تقریباً همین موضوع را اشاره میکند که اگر رئیس مجلس یا وزیر یا غیره تقاضای مجلس مجریان یا کمیسیون کردند آن مسئله در مجلس مجریان وقت رسیت دارد که سرجمع از نمایندگان در آن مجلس حاضر و با اکثریت رای بدهند و اینکه می فرمایند قوانین لفظی نبوده و در این مدت شانزده سال که از عمر مشروطیت گذشته اگر حقوق عامه پایمال شده دو سال دیگر هم پایمال بشود و اگر حقوق عامه محفوظ بوده است دو سال دیگر هم محفوظ خواهد بود که مجلس دقتی و تجدید نظری در این قوانین بکنند و قانون حقایق باطل بموقع اجرا گذاشتن آن پیش از برای مجلس صحیح نیست و اگر خیلی اهمیت دارد بنده حقوق عامه را محترم تر از وقت مجلس میدانم ما چگونه حقوق عامه را باز بچیز قرار بدهیم و قوانینی را اجرا کنیم پس از آنکه حقوق اجتماعی بواسطه این قوانین صحیح یا ناصحیح تضییع شده آنوقت ما تقصیر بنشینیم و قوانینی که عدلی نشده است تصویب کنیم ما اجازه نمیدهیم که يك قوانینی را که کاملاً نسنجیده اند و در آنها دقت نکرده اند بموقع اجرا بگذارند بعد که آن قوانین بموقع اجرا گذاشته شده حقوق مردم تضییع شده و ما فهمیدیم که مردم مظلوم واقع شده اند آنوقت قانون را تغییر بدهیم آیا مسئول پایمال شدن حقوق مردم در این مدت چیست ؟

حضرت والا فرمودند که گذشتن قوانین عدلیه از مجلس علنی نیست من میدانم آیا سایر ممالک دنیا قوانین آنها از مجلسشان نمی گذرد یا با يك مردمی هستیم غیر از مردم دنیا همه جا مجلس دارند و تا قانونشان از مجلس نکند عدلی نخواهد شد مجلس شورای ملی ما قابل نیست که قانون از آن بگذرد یا ما هنوز قابل حکومت شورای نیستیم حضرت والا فرمودند که فلان کس راجع به ادوات قدیم ملت ایران صحبتی کردند و فرمودند که عادات قدیم خیلی بد بوده است و باز و روشنگری محاکمه می کردند آیا اگر در عهد استبداد يك کارهای خوبی می کردند همینکه می کنم همه معرفند که قضاوت اسلام که دوازده و دویست سال از آن گذشته است قضاوت بسبيله است و تازه بعضی از ممالک دنیا هم فهمیده اند که قضاوت بسبيله می باشد و بتدریج همه دنیا این مطلب را خواهند فهمید لکن در قانون اساسی مایک فرمایشی فرمودند و حق هم فرمودند فرمودند که مرجع تظلمات عمومی عدلیه است نظر مقتضیات زمان ملاحظه کردند دیدند که هر ش

را می گذاریم کنار که خیلی بد بود ولی آن اصل کلی برای قطع و فصل دعوی بهتر از تربیت امروزه بود و مردم بآن ترتیب راضی تر بودند حضرت والا فرمودند عدلیه اگر مجانی باشد خوب میشود من هم متشکر مجانی شدن آن نیست بلکه از برای قاضی هم در هر حق تعین نشده که از متداعین بگیرد باید از خزانه و بیت المال مسلمین باو حق پرداخته شود آنرا بنده معتقدم ولی باین ترتیب باز حقوق ضعیفاً پایمال می شود مثلاً فلان فقیر در کرمان مرافعه دارد رجوع به مصلحه آنجا کرد پول هم از او نگرفتند و او را نگرقتند و او را محکوم کردند و بنشیند استیفاء بدهد حالا مخرج مسافرت را از کجا پیدا کند و بنظر چون قانون را نمی فهمند باید يك و کبلی برای خودش پیدا کنند آیا شاکو کبلی مجانی هم برای او پیدا میکنند ؟

و کيل هم حق الوکاله می خواهد حضرت والا اسمی از قوانین موقتی بردند اصلاً من نمی فهمم که ما قانون دائمی داریم ؟ غیر از کلیات قانون اسلام که دائمی است مابقی تمام موقتی است مثلاً قانون ثبت اسناد که در دوره های پیش از مجلس هم گذشته حالا چون آنرا تا صحیح دانستند مجدداً پیشنهاد کرده اند که اصلاح شود و همچنین قانون شورای معارف را با اینکه از مجلس سابق گذرانده اند مجدداً باین مجلس پیشنهاد شد که بعضی از مواد آنرا نقض و بعضی را اصلاح کردند تمام قوانین مجلس موقتی است بنده عرض نمی کنم که قوانین نباید بکمیسیون برود البته معدول مجلس این است که هر قانونی که پیشنهاد میشود اول به کمیسیون مربوطه رجوع میکنند که در آنجا اصلاح دهد و بعد به مجلس پیشنهاد نمایند ولی قانون نباید اجرا شود مگر اینکه از مجلس علنی بگذرد اصل ۱۴ قانون اساسی با اجازه نمیده که يك کمیسیون اجازه بدهیم که قانونی را در تحت نظر آورده و بدون اینکه در مجلس علنی که روزنامه نویسی و تماشای حاضر باشد آن قانون از نظر و کلا نگذشته بموقع اجرا بیاید ما چنین حق را ندادیم دیگر عرضی ندارم.

رئیس - امامی مدرس (اجازه)

مدرس - خیلی معذرت می خواهم که بنده مریض بودم و مدتی گز خدمت آقایان محروم ماندم و حالیه هم چون این مسئله خیلی اهمیت داشت خدمت آقایان مشرف شدم بنده در حدود فرمایشانی که آقایان می فرمایند نسبتاً می بینم اختلافی نیست عرض می کنم همه معرفند که قضاوت اسلام که دوازده و دویست سال از آن گذشته است قضاوت بسبيله است و تازه بعضی از ممالک دنیا هم فهمیده اند که قضاوت بسبيله می باشد و بتدریج همه دنیا این مطلب را خواهند فهمید لکن در قانون اساسی مایک فرمایشی فرمودند و حق هم فرمودند فرمودند که مرجع تظلمات عمومی عدلیه است نظر مقتضیات زمان ملاحظه کردند دیدند که هر ش

که صبح از خانه اش بیرون آمد اگر سه نفر او را احضار کنند مجبور است حاضر شود يکي ملا که معتمد باشد اگر نوکرش بیاید بگوید که فلان کس میگوید بیا از تو طلب دارم باید بروی يکي کدخدای محل يکي حاکم غرض در آن زمان حساب کردیم سه نفر بودند که هر شخصی که از خانه بیرون بیاید اگر این سه نفر نوکرشان را بفرستند که باید طلب فلان کس را بدهید باید حاضر شود و البته آنها را که قانون اساسی نوشته اند عقلاً بوده اند دیدند اسباب رحمت مردم است لذا فرمودند نوشتند که مرجع تظلمات عمومی است نوکر

عدلیه که آمد گفت مال مردم را بده باید بدهد کسی دیگر این حق را ندارد بالاخره بواسطه پیش آمد دنیا و زمان مقتضی شد که مرجع تظلمات عمومی عدلیه باشد و در دوره دوم که ما آمدیم اینجا يك عدلیه بوده و گفتند از هر جهة تحصیل وزارت عدلیه آقای مشیرالدوله قابل است - خدمت آقای مشیرالدوله مشرف شدیم فرمودند من وزارت عدلیه را قبول نمی کنم برای اینکه وزارت عدلیه را قانون ندارم من بروم چکنم و بگویم چنانچه در مجلس رای دارند که کمیسیون عدلیه در اسرع وقت قانونی ترتیب بدهد و آقای مشیرالدوله تشریف بردند در عدلیه و بموقع اجرا بگذارند این ملاحظه که اگر آن قانون بمجلس بیاید يك سال دو سال چهار سال اگر همه روز مجلس می شد این مواد اصول محاکمات از مجلس می گذشت که البته تجربه ای بهم نشان میدهد که يك ماده یا دو ماده که بمجلس پیشنهاد میشود چه مقدار در اطرافش مطالعات و مذاکرات میشود و طول میکشد اما کمیسیون عدلیه آنوقت خیلی به کمیسیون عدلیه حال داشت و وزیر عدلیه آنوقت هم خیلی بوزیر عدلیه حال داشت و وزیر عدلیه آنوقت هم آقای مشیرالدوله بودند که هم آن روز اختصاص داشتند و هم امروز کمیسیون عدلیه حالا هم اشخاص خوبی هستند ولی در آن ایام اشخاص معکم تری در کمیسیون بودند چون تمام این ملاحظه میشود لهذا عقیده بنده این است که آنچه که باید بکمیسیون عدلیه بیاید باید اولاً بطبیع و بین تمام نمایندگان توزیع شود و در بکمیسیون عدلیه هم باز باشد و تمام و کلاً بیایند و اظهارات خود را در کمیسیون بکنند و هر نظری دارند بفرمایند من متکرم که اعضای کمیسیون زیاد شود زیرا هر چه عدلیه یاد شود قوانین عقب می افتد و گمان نکنید که صد ماده تا دویست ماده است اگر صد ماده بود مضایقه نبود که کمیسیون نظر بکنند و بعد بمجلس بیاورد يك دوره محاکمات حقوقی است و يك محاکمات جزائی است که در خارج مجلس خدمت آقای مشیرالدوله نظر کردند و اصلاً در کمیسیون مجلس هم نیامده بنده بودم و آقای مشیرالدوله و آقای میرزا رضا خان و بعضی اوقات هم آقای حاج سید نصرالله تشریف می آوردند این نکته را که عرض کردم بواسطه آن فرمایشی بود که آقای ارباب فرمودند و ظاهر یکی از آقایان دیگر هم فرمودند که (در این ده سال فطرت که مجلسها توانستند بطور فراغت در قوانین عدلیه نظر بکنند و وزیری که آمد با بواسطه احتیاجات روز یا ترتیبات دیگر يك ابلاغاتی صادر

کرد که باین مواد اضافه شده است) عرض بنده نظریات و نظریات روز و نظریات شخصی يك نفر وزیر را کار ندارم قانون مجازات هم لازم است و بالاخره آنچه که محل احتیاج امروز مردم است قریب دوسه هزار ماده است که باید بفوریت بگذرانند چون تمام مردم در زحمت هستند و يکي از آن جهت هائی که تولید زحمت کرده طول مجاکم است که اسباب زحمت مردم شده است چه برای فقیر و چه برای غنی اگر میگویند که در ب عدلیه را بینند تا این دوسه هزار ماده از مجلس بگذرد این يك بیان خوبی است ولی حقیقتاً راجع بانکار اساسی عدلیه است پس علیهذا خوب است که کمیسیون عدلیه بطوریکه تشکیل شود و لو اوج منتشر شود و آقایان و کلاً تماماً هر نظری دارند اظهار دارند و همچنین در عدلیه پیشنهاد شده است کمیسیون عدلیه حق داشته باشد لدى الاقتضا از داخله مجلس اگر متخصصی جهت این کار دید داخل نماید و هم چنین از خارج مجلس مثلاً خود آقای مشیر الدوله رئیس الوزراه در بعضی مطالبات متخصص هستند و البته باید حاضر باشند که اگر دعوت شدند تشریف بیاورند و با ایشان تبادل افکار شود و هکذا نسبت باهل علم دیگر البته مطالبی که اتفاق می افتد هر مطلبی مناسب با اشخاصی است که متخصص هستند ولی بنده متکرم این نیست که عده کمیسیون اضافه شود اما اعتراضات دیگر را بنده بی جهت نمی دانم تصویب اجمالی مجلس تصویب تفصیلی است و بتصویب قبلی تصویب بعدی است همانطور که قوانین شب و روز محل احتیاج می شود همانطور که دولت پیشنهاد می کند و مجلس هم بسلت اجازه میدهد که هر قانونی که از کمیسیون عدلیه میگذرد دولت مجاز است بموقع اجرا گذارد و ممکن است همانوقت هم آن قوانین بیاید بمجلس ولی اجرای موقوف نباشد بگذشتن از مجلس زیرا اگر موقوف باشد عواقب پیش می آید و آنوقت ناتمام میماند و هیچ قانونی هم در دستشان نیست و اما بعضی که در مطالبه آنها با مطالب شرعی دقت دارند البته این مسئله را ما باید تماماً در قلیبان حقیقتاً تعمیم بکنیم من خودم این قسم هستم که خودم را هیچ وطنخواه تر و مسلمان تر از دیگران نمی دانم و امیدوارم که تمام همین قسم باشند البته باید جد و جهد کرد که يك سر موئی قوانین ما از حدود اسلام به تجاوز نکنند

لذا هر کسی که در هر پیشنهادی نظریه دارد البته باید بکمیسیون رجوع بفرماید شاید اهل کمیسیون اشتباه کنند و او اشتباه نکرده باشد لهذا با این عرایضی که کردم و خیلی اسباب زحمت شدم گمان نمی کنم که اینها مانعی نداشته باشد و باید رای داده شود و آقای وزیر عدلیه هم لوائح خودشان را تهیه کنند و آقای آقا میرزا رضا خان هم که بصیراند و خودشان در موقع وضع این قوانین از اول تا آخر بوده اند

وزیر عدلیه - در تکمیل فرمایشات آقای مدرس نظر باینکه يك مطلبی در اینجا گفته شد و بقدر کفایت توضیح داده نشده لهذا بنده عرض میکنم

آقای حائری زاده فرمودند رای مجلس وقتی واجب الاطاعه می شود که در مجلس علنی رای گرفته شود و می خواستند این طور نتیجه بگیرند که قوانینی که در کمیسیون تصویب می شود دارای آن لزوم اجرا نخواهد بود

بنده در مقدمه نظر ایشان با ایشان موافقم ولی در نتیجه آن موافق نیستم راست است که رای مجلس شورای ملی وقتی واجب الاجرا میشود که در مجلس علنی باشد ولی همین رای که امروز اتخاذ می شود یعنی واگذار کردن این حق بکمیسیون همین رای واجب الاجرا است چون در مجلس علنی رای گرفته می شود و بکمیسیون عدلیه این حق داده می شود پس از آن مقدمه آن نتیجه ای را که آقای حائری زاده میگویند صحیح نیست و همین رای که در مجلس علنی داده می شود واجب الاجرا است و همچنین بنده در اصل فرمایشات آقای مدرس موافقم و بجهت خاطر ایشان عرض میکنم که يك قسمت از فرمایشاتان هیچ مانعی ندارد که الان هم اجرا شود و محتاج با اجازه ثانوی نیست از قبیل طبع لوائح پیشنهادی دولت این يك چیزی است موافق نظامنامه که لوائح طبع و توزیع شود با حق دعوت کمیسیونها از اشخاصی که متخصص آنند

بنده عرض میکنم که این حق الان برای تمام کمیسیونها موجود است و هر کمیسیونی می تواند چه از خارج و چه از نمایندگان هر کسی را که لازم می داند بخواهد و دعوت کند و آنچه در باب جلب نظر آقای رئیس الوزراه اشاره فرمودند این را هم بعرض ایشان می رسانم

اما کلیه این لواهی که از طرف دولت و وزراه پیشنهاد می شود دارای دو امضاء است يکي امضای وزیری که مسئولیت دارد و يکي هم امضای آقای رئیس الوزراه است و فقط در يك نقطه بنده با آقای مدرس مخالفم چون ایشان موافق با زیادی عده نبوده و بنده موافقم

البته بنده اعتراف می کنم زیرا در مجالس دوم و سوم و چهارم بوده اند و می دانند که هر چه عده کمتر باشد البته سرعت عمل زودتر واقع می شود ولی با وجود این بعقبه بنده خوب است ایشان از این مخالفت صرف نظر فرمایند و موافقت بکنند که از هشت نفر به حالا هشت عده کمیسیون تجاوز کند و بدو زاده نفر برسد و نظریات مختلفه ای که در مجلس ممکن است موجود باشد در نظر آقایان بیاید این نکته را هم می خواهم بآقای تدین عرض کنم که با این نظریه که از طرف آقای رئیس الوزراه اظهار شده و از طرف بنده حالا تأیید شد ایشان هم موافقت فرمایند که این مطلب چندان طول نکشد يك مطلبی هم آقای حائری زاده و يك عده دیگری از آقایان فرمودند (هیچ يك از قوانین را دائمی نیست چرا میگویند قوانین موقتی) بنده عرض می کنم اینکه گفته می شود قوانین موقتی مقصود در مقابل دائمی نیست تکیه در مقابل قوانین قاطعی است

البته هیچک از این قوانین دائمی نیست ولی وقتی يك قوانینی را موقت می گویم مقصود قوانینی است كه هنوز قطعی نشده است و هنوز تمام مقدمات خود را طی نكرده است كه آن را قطعی بگذايريم يك اشاره ديكری هم ایشان كردند راجع باینكه اصول حكومت بقالب اداری ریخته شود البته لباس من اجازه نمیدهد كه بایشان این مطلب را یادآوری کرده باشم ولی در اصول شری آن قدری كم می دانم لازمه حكومت این است كه رضایت طرفین باشد و اگر رضایت طرفین نباشد از درجه اعتبار ساقط است و من میگویم اگر ما بخواهیم اصول حكومت را در قالب اداری بریزیم اجباری حاصل می شود بنابراین من میترسم كه انحرافی از موازین شریعه شده باشد لذا از این مطلب خود - داری می كنم

رئیس - آقای آشتیانی (اجازه)

آقای میرزا هاشم آشتیانی - يك سئوالی بنده می خواستم بكنم و فرمایشات آقای مدرس بیشتر مقید آن سئوال بنده شد عرض می كنم از طرف بعضی از موافقین كه در این پیشنهاد اظهار عقیده می شود و هم چنین اضراف آقایان وزراء (چنانچه در اصل لایحه هم اشاره شده است) راجع بلاحضات و اصلاحات در امور قضاییه است و بنده تصور میكنم كه آقای وزیر عدلیه محقق فرق می گذارد بین اصول قضائیه با اصول تشكیلات اداری باین ترتیب این قسمتی را كه در ذیل همین ماده اول اشاره فرمودند كه من آنها را برای آزمایش در كنم و تسریع بوقع اجرا خواهم گذاشت چون در مسائل قضائی و حقوقی نمی شود آزمایش كرد لذا من خواهش می كنم كه این كلمه را بردارند و بجای آن كلمه دیگر بگذارند دیگر آنكه توضیح بدهند آن اصولی كه میخواهند در كمسیون عدلیه بیاورند چیست ؟

رئیس - آقای سیدالملك موافقت اجازه میفرمائید ؟

رئیس - با الفعل موافق و مخالف صرف میزدند آقای فتح الدوله

(اجازه)

فتح الدوله - بنده عرض ندارم
رئیس - آقای آقا شایخ ابراهیم زنجانی (اجازه)

آقا شایخ ابراهیم زنجانی - بنده يك سئوالی از آقایان میكنم كه آیا برای يك كمسیون كه در قانون نیست با قانون نیست ؟ بنده می گویم قانون نیست و فقط يك لایحه است كه وزیر عدلیه اجازه میخواهد از كمسیون بگذرد و برای آزمایش بموقع اجرا گذارده شود اگر کسی بگوید قانون است خلاف قانون اساسی كرده است برای اینکه قانون باید ماده بماده نوشته شود و بمجلس بیاید و در مرتبه مجلس شور شود و بهر يك از مواد در مرتبه رأی گرفته شود پس از آن يكی آن هم

رأی گرفته تا بتوانیم قانونیش بگوئیم پس این يك وضعیت است كه يك وزیر داده می شود كه يك لایحه كه از كمسیون گذشته بامی گذرد موقتاً بموقع اجرا گذارد همانطور كه آقای مصطفی السلطنه لایحه آوردند كه يك مدتی برای آزمایش بآن عمل كنند ولیكن این رخصتی كه ایشان میخواهند اگر مثل آقای مصطفی السلطنه سه ماهه قید كنند آوقت مجبوریم بگوئیم سه ماه تمام شد و ایشان هم فرار كنند ولی اگر برای آن مدتی بگذاریم هر وقت از ایشان سئوال كنیم چه طور شد جواب بدهند آزمایش تمام نشده پس خوب است يك مدتی قرار دهند كه این آزمایش تمام يك سال با شش ماه یا سه ماه باشد كه بعد نگویند كه آزمایش تمام نشده و هر وقت سئوال كنیم جواب بدهند كه قانون عدلیه مهم است و باید در تمام مملكت آزمایش بشود لذا تقاضا می كنم مدتی برای آن معین شود

وزیر عدلیه - تعیین مدت با وجود آنكه من اساساً مخالف بآن ندارم خیلی مشكل است كه مدتی تعیین كنیم كه مطابق با عمل بكنند و این مطلب را یادآوری می كنم كه مجلس شورای ملی همیشه وسيله دارد برای اینکه يك قانونی را نقص كند همان طور كه فرمودند فعلاً يك رخصتی میدهند و همیشه وسيله نقص آن را دارند پس بنابراین نمی دانم كه در آنجا تعیین مدت ارجح است یا آنكه نمایندگان چون خودشان بهتر ملئت هستند اگر در زمان آزمایش مابین دیدند تقاضا كنند كه آن قوانین موقت را بمجلس آورده و نقش كنند

رئیس - در ماده اول مذاكرات كافی است یا نه ؟

(جمعی گفتند كافی است)

رئیس - رأی می گیریم آقایانكه ماده اول را تصویب میكنند قیام فرمائید

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

آقای میرزا هاشم آشتیانی - پیشنهادی شده بود

مدرس - بعد از قرائت هر دو ماده اگر پیشنهادی هست قرائت می شود

رئیس - ماده دوم قرائت میشود

(آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده دو - این اجازه شامل قوانینی است كه

از تاریخ تصویب این لایحه تا شش ماه از طرف وزیر

عدلیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد می شود

رئیس - مخالفی نیست ؟ آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - چون این قوانین

را كه آقای وزیر عدلیه بمجلس تقدیم می دارند از

جمله آنها يكی قانون ثبت اسناد است كه سابقاً از

مجلس گذشته و شاید قوانین دیگری هم باشد كه از

مجلس گذشته باشند بنابراین میخواهم بدانم كه آقای

وزیر عدلیه مقصودشان این است آن قوانین هم كه از مجلس گذشته بكمسیون برود و در آنجا قسح شود مثلاً قانون ثبت اسناد و قبول ونگول برداشت و امثال آن اگر اینطور باشد بنظر من خیلی بعید میاید و از وظیفه كمسیون هم خارج است و اگر مقصود لوایح قانونی است كه از مجلس گذشته است در آن صورت باید نوشته شود لوایح قانونی كه بمجلس پیشنهاد می شود در صورتیكه در اینجا نوشته شده است قوانینی كه از طرف وزارت عدلیه پیشنهاد می شود

رئیس - لایحه قانونی هم قانون است تفاوت نمی كنند آقای فهم الملك

(اجازه)

آقای فهم الملك - بنده هم قسمت آخر فرمایش آقای دولت آبادی را می خواهم عرض كنم یعنی اینجا يك اصلاح عبارتی لازم است چون در این ماده می گوید (این اجازه شامل قوانینی است كه از تاریخ تصویب این لایحه الی آخر) چون قانون اطلاق می شود بر قوانینی كه تمام مراحل قانونی را طی كرده و از مجلس گذشته باشد و عقیده بنده بهترین است نوشته شود قوانینی كه از طرف وزیر عدلیه لوایح آن از تاریخ تصویب این لایحه تا شش ماه پیشنهاد می شود

وزیر عدلیه - این قسمت مسلم بود و بنده خیال می كردم از كمسیون توضیح محتاج بند كر نیست ممكن است لوایح قانونی نوشته شود ضروری ندارد

رئیس - محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - عرض ندارم

رئیس - دیگر مخالفی چیست ؟ رأی می گیریم

ماده دوم آقایانكه ماده دوم را تصویب می كنند

قیام فرمائید

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

پیشنهادی از طرف بیست نفر آقایان سده قرائت

شده و رأی می گیریم

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ما امضاء كنندگان ذیل پیشنهاد میمائیم كدر

توضیح لایحه پیشنهادی وزارت عدلیه كمسیون عدلیه

حق داشته باشد از داخل و خارج مجلس اشخاص خبری

را در مواقع لازم و شور كك مشاوره و تبادل افكار

دعوت نماید

وزیر عدلیه - بنده تصور می كنم این پیشنهاد

محتاج برای نباشد برای اینکه خود كمسیون این حق

دا دارد كدر هر كس لازم می داند دعوت نموده

توضیح بخواهد و اگر مجلس شورای ملی در این باب

رأی بدهد مفهوم مخالفت این است كه سایر كمسیون

ها این حق را ندارد در صورتیكه همه كمسیونها این

حق را دارند

رئیس - در این باب کسی اظهاری دارد

نظام الدوله - بنده در این باب توضیحی

داشتم اجازه می فرمائید

رئیس - بفرمائید

نظام الدوله - راجع باین پیشنهاد بیانی كه آقای وزیر عدلیه فرمودند صحیح است ولی ممكن است كمسیون با وجود آنكه می تواند می خواهد این كار را بكنند و خود را مستغنی بدانند و در این قضیه اقدام بكنند و چون در خارج اشخاص هم هستند كه در این موضوع متعصب هستند و اطلاعات كافی دارند و مجلس و كمسیون و مملكت می تواند از وجود آنها استفاده كامل بكنند باین جهت این پیشنهاد شده كه كمسیون مقید باشد كه اشخاص متعصب را دعوت كند

وزیر عدلیه - بعقیده بنده كلمه میتواند

كمسیون را مقید نمیكنند میتواند بكنند و می تواند نكنند

رئیس - بلی این پیشنهاد اجبار را نمیساند

در این صورت لازم برای گرفتن نیست رأی می گیریم

بكلیه لایحه كه مشتمل بر دو ماده است آقایانكه

تصویب می كنند قیام فرمائید

(اكثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد در كمسیونها چند نفر كسر

اعضاء داریم چنانكه سابقاً هم عرض كرده ام برای

كمسیون خارج و مالی و عدلیه باید چند نفر انتخاب

شود خوب است در موقع تنفس آقایان كسری

اعضاء را انتخاب بفرمائید چون كمسیون خارج

كارش از همه بیشتر است اگر نتوانستند اعضاء

كمسیون قوانین مالی و عدلیه را انتخاب كنند لااقل

كسر اعضاء كمسیون خارج را امشب انتخاب

بفرمائید

(در این وقت جلسه برای تنفس تعطیل و پس از

نیم ساعت مجدداً تشكيل گردید)

وزیر فوائد عامه - بر حسب قضای

اهالی اصفهان راجع بالعاق آب رود كارون بفرمائید

رود پیشنهادی تهیه شده بمجلس مقدس تقدیم

می شود

(با آقای رئیس تسلیم نمودند)

رئیس - ارسال می شود بكمسیون فوائد عامه

فعلاً ماده دوازدهم ضمیمه راپرت كمسیون بوده

مطرح است

(آقای تدین ماده دوازده را بمضمون

ذیل قرائت نمودند)

ماده ۱۲ - وزارت جنگ پیشنهادی دولت ۹

میلیون تصویب كمسیون بوده هم میلیون است

رئیس - مخالفی در این باب نیست ؟ آقای

حائری زاده

(اجازه)

رئیس - بفرمائید

حائری زاده - اگر بنده دواطراف این

لایحه قدری صحبت كرده ام لابد مورد ملامت نیستم

زیرا مجلس در مسائل اساسی مذاكرات را خیلی زود

كافی می داند و بنده موفق نمی شوم مطالب را موافق

عقیده خود عرض كنم همین طور در موضوع معارف

و فوائد عامه

و غیره بیش آمد و موقع حرف زدن بنده نرسید در موضوع وزارت جنگ هم باید فهمید وزارت جنگ این ۹ میلیون اعتبار را برای چه خواسته اگر برای نگاهداری قشون بیکار در مملكت است كه اگر يك وقتی جنگی با خارج پیش بیاید دفاع كنند من با این اصل مخالفم بجهت اینکه ملت ایران از پنجاه سال با بیطرف با ملل همسایه خودش جنگی نداشته و به هاهم امیدواریم نماینده ما در انجمن اتفاق ملل ترتیبی پیش بیاورد كه همیشه با تمام دول با صلح و مسالمت روابط مابرقرار باشد

پس ما قشون را برای جنگ خارجی لازم نداریم

و اگر يك روزی خدای نخواسته جنگ خارجی شد

این سی چهل هزار نفر قشون نمی تواند دفاع كند و

باید مطابق مذهب اسلام هاهم ملت مسلح شوند و از

حقوق خود دفاع كنند و این سه میلیون مخارج قشون

كفار را ما نباید متحمل بشویم و اگر این ۹ میلیون

از جهت جلوگیری اشرار داخلی خواهد بود ؟

پس وزارت داخله برای جلب بودجه وزارت داخله

وزارت جنگ در سال بیجی میل كه آقای مشیر الدوله

مسئول بوده اند ۹ میلیون و كسری بوده در صورتیكه

امروزه با ده میلیون و سیصد و پنجاه هزار تومان است

اگر وزارت جنگ مسئول انتظامات داخلی است

پس وزارت داخله چرا این اسم را روی خود گذاشته

كه ما بپائیم فرمان فرمایان و حكام كه اصول ملوك

الظوايف را در این مكتب ادامه می دهند يك پول

هنگفتی بهمیم كه اسماً مسئول انتظامات داخلی مملكت

باشند و خودمان را كوتل بزیم و برای این اشخاص يك

بودجه پنج كروری تهیه كنیم در صورتیكه انتظامات

را قشون متحمل میشود بعقیده بنده این يك چیز صحیحی

نیست كمسیون بوده برای انتظامات داخلی بیست و سه

كرویر معین كرده كه عبارت از بودجه وزارت جنگ

وزارت داخله باشد

در صورتیكه هنوز انتظاماتی بر قرار نشده و

در حدود یزد كه اطلاعات من در آن حدود بیشتر

از سایر جاها است فاصله يكه تمام مال التجاره و تجار

را برده اند و وزارت داخله شكایت میكنند جوابی كه

من غیر مستقیم داده می شود این است كه هزار و

پانصد تومان برای فرسورانی یزد بیشتر معین نشده

در صورتیكه دو هزار و پانصد فرسخ مربع اراضی

بائر دارد كه ما من سارقین است

بدیهی است با هزار و پانصد تومان نمی شود

جلوگیری از اشرار و غارتگری فارس نمود معلوم

است این تأمین را قشون باید فراهم كند مردم باید

بدانند كدام

وزارتخانه مسئول انتظامات داخلی است كه هر وقت

مال کسی را برده ما بدانیم از كدام وزیر سئوال

كنم كه اشرار را قلع و قمع كرده اموال مردم را

كه برده اند گرفته بصاحبش اول بدهند اگر وزارت

جنگ مسئول انتظامات داخلی است در این صورت اگر از ۹ میلیون هم بیشتر پیشنهاد می كردند بنده قبول می كردم چون من انتظامات را بیشتر از همه چرا لازم میدانم زیرا این مردم تا امنیت نداشته باشند می توانند قسمی برای تجارت و سایر مسائل بردارند والا اگر مقصود از این قشون بیکار برای جلوگیری از هجوم اجانب است بنده ابد آنك شامی تصویب نمیكنم آقای مخبر كمسیون پرده تشریف ندارند ایشان در جلسه سابق در موضوع بودجه وزارت داخله میفرمودند مطالب فلان كس عملی نیست بلی مطالب من عملی نیست در صورتیكه خواسته باشم ملوك الظوايف را در این مملكت دوام بدیم و هشام مسلح و حشی را باقی بگذاریم و بكنفرم بنام فرمانفرما و حكومت بفرستیم و يك مخارج هنگفتی را متحمل بشویم و مبالغ زیادی برای كرسه های فرمانفرمائی تصویب كنیم اگر اینطور است دیگر محتاج باین قشون نیستیم من نمی دانم در جواب متظلمین امروزه چه جواب بدهیم باینكه پنج كرویر بودجه برای انتظامات تصویب كرده ایم در صورتیكه ما قائلیم امنیت ما را وزارت جنگ عهده دار است پس اگر قشون را برای جلوگیری از تعدیات این اشرار و حشی نگاهداری میكنند ۹ میلیون كس سهل است هر چه بیشتر بدهند بنده تصویب نمیكنم باز هم تكرار می كنم حالا كه ما پول نداریم باید موافق احتیاج خودمان تأسیسات بكنیم

مثلاً امروز پنج شش وزارتخانه بیشتر برای ما لازم نیست يك وزیر انتظامات با بودجه ده یازده میلیونی كه مسئول انتظامات باشد و این هرج و مرج حالیه را خانه دهد و يك وزارتخانه برای سیاست خارجی و يك وزارتخانه برای معارف و صعبه و يك وزارتخانه برای امور قضائیه و ثبت اسناد و اگر يك پول زیادی هم داشته باشیم يك وزارتخانه هم برای حوائج عمومی از قبیل ارزاق و غیره اگر چه روحاً عمل انتظامات را وزارت جنگ عهده دار است ولی اسماً مسئول انتظامات داخلی مملكت نیست اسم وزارت جنگ حاکی است كه هر وقت جنگی با خارج پیش آید او باید دفاع كند و اگر حقیقه وزارت جنگ افراد مسلح بیکاری برای جلوگیری از حملات خارجی تهیه می كند بنده عرض می كنم ملت ایران با هیچ دولتی در جنگ نیست و لازم نیست با تصویب ما تصویب كنیم ۹ میلیون پول در جهت بیچاره مخارج يك عده قشون بكار بشود

وزیر عدلیه - نظر باینكه آقای وزیر جنگ تشریف ندارند كه از نقطه نظر وزارت جنگ این مطلب را دفاع كنند وزیر مالیه هم تشریف ندارد كه از نقطه نظر بودجه دفاع كنند و مخبر كمسیون هم نیستند كه از طرف كمسیون دفاع نمایند بنده مجبور بدفاع هستم

بنده اظهارات نماینده محترم را بدقت گوش دادم و بالاخره چیزی كه ملئت شدم دوسه مطلب بود شاید هم اشتباه كرده باشم بكنی آنكه در تحت عنوان مخالفت با وزارت جنگ و نسبت بیودجه وزارتخانه های دیگر مخصوصاً وزارت داخله كه مورد عدم توجه

آقای حائری زاده واقع شده است اظهار عقیده کردند و بعد هم فرمایشاتی فرمودند که مفاد فرمایشات ایشان این بود که نظر باینکه افراد قشون ما برای نایب است و بیکار می باشند این پول نباید داده شود بطور مقدمه باید عرض کنم که اگر همه نمایندگان محترم نظر آقای حائری زاده را می داشتند و با بودجه وزارت جنگ وزارت داخله مخالفت می نمودند دوست نفس عرض لازم میشد زیرا ایشان فوق العاده از برقرار بودن حکومت ملوک الطوائفی و جلوگیری نشدن از خود سری های ایلات و عشایر تعاضی دارند اما برای خانه حکومت ملوک الطوائفی و خود سری ایلات جز وزارت جنگ منظم و وزارت داخله مرتب هیچ طریقه دیگری بنظر نمی رسد خانه دادن باصول ملوک الطوائفی و خود سری افراد چنانکه تاریخ نشان می دهد همیشه منوط برور بوده است ملاحظاتی قدیم مثلی دارند و میگویند (سپویس پاسیم پارابوم) یعنی اگر صلح می خواهم مهابی جنگ باشد پس صلح طلبی حقیقی در این است که انسان باید همیشه قدرت این را داشته باشد که حاضر جنگ باشد کسی که می خواهد صلح طلبی خود را تکیه بضعف دهد معنا ممکن نمیشود کسی که می خواهد صلح طلبی خود را تکیه بضعف دهد معنا ممکن نبود کسی که عقیده اش خانه دادن باصول ملوک الطوائفی باشد باحالت ضعف عقیده اش تأمین نخواهد شد.

کنتیم مخالفت آقای حائری زاده با بودجه وزارت جنگ مقصود شان پیدا کردن مورد برای مخالفت با بودجه وزارت داخله بوده است و این که فرمودند ما نمیدانیم کدام يك از وزارت خانه ها مسئول انتظامات است و ایشان اطلاع دارند که در حدود یزد هزار و پانصد تومان برای قره سورانی تصویب شد و این مبلغ نمی تواند امنیت آن حدود را تأمین کند باید برای اطلاع ایشان عرض کنم و که مسئول امنیت يك وزارت خانه بخصوص نمی تواند باشد بلکه هیئت دولت مسئول است و ممکن است از طرف وزارت داخله برای اجرای وظائف خود از وزارت جنگ کمک و تقویت خواسته شود پس اگر وزارت جنگ نگفته است من مسئول انتظامات هستم هیچ رفع مسئولیتی از وزیر جنگ نمیکنم وزیر جنگ هم مثل وزیر داخله هم از نقطه نظر مسئولیت مشترک هم دارد هم از نقطه نظر فرماندهی قوای عمومی نظامی مسئول امنیت هستند اما کم بودن حقوق قراوران هم علت خیلی ساده دارد و علتش این است که وزیر جنگ هنوز موفق نشده است قوای را که میگزین و توفیق اصفهان خواهد بود و مشخصات آن نقاط جنوبیست پیدا خواهد کرد من جمله یزد خواهد بود برقرار کند ولی با حدیث و فعالیت که وزیر جنگ حالیه دارد من یقین دارم که طولی نخواهد کشید که آن دست جات قشونی که لازم است اعزام و برای یزد هم مین خواهد شد و لذا نگرانی خاطر آقای حائری زاده کاملاً مرتفع خواهد شد

رئیس - آقای نظام الدوله موافقت

نظام الدوله - بلی موافقت

رئیس - آقای حاج میرزا مرضی

حاج میرزا مرضی - بنده می خواهم سؤال کنم

که در مقابل این ۲۰ میلیون تومان چقدر قشون ممکن است داشته باشیم

وزیر عدلیه - فعلاً این مبلغ معارف قشون حاضره که سی و دو هزار نفر است می باشد

رئیس آقای آقا سید یعقوب آقای محمد هاشم میرزا و آقای دولت آبادی موافقت (گفتند بلی)

رئیس - آقای حاج شیخ اسد الله چطور

حاج شیخ اسد الله - موافقت

رئیس - آقای فہیم الملک

(اجازه)

فہیم الملک - بنده هم موافقت

رئیس - آقای مستشار السلطنه چطور؟

مستشار السلطنه - بنده هم موافقت

رئیس - آقای حائری زاده

(اجازه نطق)

حائری زاده - من طرف دارم نیستم اسمش

راوزارت داخله بگذارید و وزارت جنگ بگذارید و

وزارت انتظامات هیچ فرقی نمی کند من هر این

مملکت فقط يك عده چهل و پنج هزار نفری افراد مسلح

کاهمه دار انتظامات داخلی باشد لازم می دانم ولی

بودجه وزارت جنگ را که آورده اند ما تصویب نکنیم

می بینیم قبل از این يك بودجه آورده اند کما تصویب بکنیم برای انتظامات داخلی بنا بر این عرض می کنم ما وزارت جنگی که قشون بی سکار نگاهدارد لازم نداریم ولی اگر قشون ما همین مشکل که تا به حال انتظامات را انجام داده و مشغول بوده است که انقلابات گیلان و غیره را خانه دهد داده است بندهم وزارت جنگ مسئول خواهد بود یعنی چه ما بنام وزارت داخله يك بودجه را تصویب کنیم و يك مبلغ گران بیکام و این اشخاص که نمی دانیم برای چه خود را تحویل بدولت کرده اند و يك وزارت خانه برای اعاشه آن ها تاسیس شده بندهم مقصد و شازده هزار تومان موجب يك مشت از رجال قدیمه است که قیراز آن تر يك خرج تراشی برای دولت هیچ کار دیگری نمی کنند بنا بر این بهتر این است دو وزارت خانه یکی باشد و مسئول انتظامات باشد در آن صورت بنده یازده میلیون و سیصد هزار تومان را تصویب می کنم و ملت هم با کمال امتنان حاضر است آن را تأدی نماید که افراد مسلح نظامی برای خدمات و انتظامات مملکتی حاضر باشند ولی اینکه مسئول انتظامات مملکت وزارت داخله را قرار داده ایم و بودجه او را که کفایت برای انتظامات نمی کند تصویب کردیم لازم اش این است که وزارت جنگ قشون برای دفاع خارجی نگاهدارد و در مسائل دیگر هم قشون هیچوقت مسئول انتظامات داخلی نیست بنا بر این قشون بیکاری خواهد بود اگر چه بموجب این بودجه صلا وزارت جنگ عهده دار انتظامات داخلی خواهد بود ولی بنده مخالفم که دو وزارت خانه داشته باشیم که روحا وزارت جنگ عهده دار انتظامات باشد و اسما وزارت داخله لهذا بعتیده بندهم خوب است این دو بودجه را یکی بکنند و وزارتی باسم وزارت انتظامات داخلی تاسیس بکنند آقای وزیر عدلیه فرمودند ما باید قدر دانی از وزیر جنگ بکنیم صحیح است باید قدر دانی کرد ولی اگر اوستول انتظامات است پس وزارت داخله در این مملکت چه کار دارد دیگر مرضی ندارم

رئیس - آقای نظام الدوله

(اجازه)

نظام الدوله - بنده می خواهم يك توضیحی نیست

به نظریات آقای حائری زاده عرض کنم برای

اینکه ایشان يك اصلی را در نظر گرفته اند و هیچ

متوجه این مطلب نیستند که آیا موافق مقتضیات هست

یا نه حق دارند ایشان خیلی بدی دیده اند و در يك

محوه ای بوده اند که در این مدت هر چه دیده اند یا

دیده اند قطاع الطريق دیده اند و حاکم بد دیده اند

حاکم رفته است غرض اینکه درمانی بدرشان

بگذارد کلاشان را برداشته باینجهت حسن انتظام

نمیکنند ایشان متوجه يك تشکیلاتی باشند که در

حدود يك اختیارات محدودی تصویب میشود ولی

ایشان را امیدوار میکنم که انشاء الله تجربیات گذشته

ما سرمشق باشد و دولت کنونی با آن قناتی که

ما میدانیم افراد آن دارند تمام جزئیاتی که در قلب

ایشان هست ترتیب داده هر دو مطالبی را که آقای

نظر دارند بواسطه همین تشکیلات انشاء الله فراهم خواهد شد و اسباب آسودگی خاطر ایشان فراهم خواهد آمد

رئیس - مذاکرات کافی است

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - رأی میگیریم آقایان باینکه ماده دوازدهم

را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

ماده ۱۳ قرائت میشود

(آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده ۱۳ - اقسام قروض یازده هزار و پنجاه و

چهار لیره پیشنهادی دولت ۶۴۰۰۷۲ تومان تصویبی

کمیسیون هم همین مبلغ است

رئیس - آقای نظام الدوله

(اجازه)

نظام الدوله - بنده می خواهم پیشنهادی کنم

چون مغیر کمیسیون تشریف ندارند و آقای وزیر

عدلیه هم تا يك حدی بشا برو وظایفی که دارند دفاع

میفرمایند بنده عقیده دارم که مذاکره این ماده برای

جلسه آینده بماند

وزیر عدلیه - آقای نظام الدوله فرمایشی

فرمودند که مغیر حقیقی کمیسیون بودجه بنده هستم و

امضای بنده را هم دارد

رئیس - آقای فہیم الملک مخالفت

فہیم الملک - بنده موافقم و بعد از يك

مخالفت نظریات خود را عرض خواهم کرد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده می خواهم از آقای وزیر

عدلیه که نایب جناب آقای مغیر هستند سؤال کنم که

این چه قرضی است آیا قرضی است که در دوره قنرت

شده یا در زمانی که مجلس بوده است شده مطابق

قانون اساسی ابدأ دولت و ملت ایران ضامن آن

نفرامد بود میخواستم بدانم موضوع آن قرض چیست

و اصل آن چقدر است که دولت باید در سال این مبلغ

را بدهد چون مبهم است و صورت آن در اینجا ذکر

نشده خواهش میکنم موضوع آن را بفرمایند

وزیر عدلیه - اولاً بنده نایب جناب مغیر

کمیسیون بودجه نیستم و مدافع نظریه دولت هستم

تا این قرضی که در این جا ذکر شده مربوط به وجوهی

است که در دوره قنرت گرفته شده و ملت دولت ایران قرضی

داشته و قبلاًتی داشته است که مطابق آن صورت

صحبی هست که تمام ارقامش از روی صحت و مطابق

تقیات دولت صحیح است و دولت و ملت ایران مکلف

هستند تأدی نمایند

رئیس - مستشار السلطنه

(اجازه)

مستشار السلطنه - بنده می خواهم زیر همین

قروض را که باید یازده هزار و کسری لیره ماهیانه

پرداخت پیشنهاد کنم طبع و توزیع خود که هم تعمیر

لیره را بدانم و هم بدانم در موقع پرداخت صلاح است همین لیره بپردازیم یا تعمیر بتمان بکنیم و برای اینکه درست بتوانیم نظریه خود را اظهار داریم و صورت ریز قرضهای خودمان را مطالعه کرده و از کیفیت آنها مطلع شویم لهذا پیشنهادی تقدیم می کنم که صورت آن طبع و توزیع شود

وزیر عدلیه - مورد این نظریه آقای مستشار

السلطنه در موقعی است که بودجه های جزع پیشنهاد

خواهد شد

فلا این يك اعتباری است که برای تأدی اقساط

قروض تصویب می شود

رئیس - پیشنهاد آقای مستشار السلطنه قرائت

می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می نمایم که صورت کلیه قروض

دولت علیه ایران بدولت انگلیس را طبع و توزیع

بنمایند که ملاحظه شود...

رئیس - توضیحی دارید بفرمایند

مستشار السلطنه - بنده تصور می کنم در مواقع

استقراض در موقع پرداخت اقساط استهلاك دولت

ایران تا امروز هر چه معامله کرده است حالت غبن

داشته حالا هم برای اینکه از مطلب مسبوق باشیم

و کاملاً دقت کنیم و بدولت خودمان اعتبار تأدی آن

را بندهم بنده این پیشنهاد را کرده ام چون در اطراف

اصل وجوهی که بعنوان قرض تاکنون گرفته شده

بعضی صحبتها شده است که صلاح نیست حالا گفتگو

شود

ولی معالناً برای اینکه بفهمم اقساط این قروض

چیت و در پرداخت آن نظر مبصرانه داشته باشیم

بهتر این است که يك صورت جزئی داشته باشیم که ببینیم

قران باید بدیم یا لیره بدیم

رئیس - آقای حاج نصیر السلطنه

(اجازه)

حاج نصیر السلطنه - بنده متأسفانه با پیشنهاد

آقای مستشار السلطنه مخالفم برای اینکه آقای

مستشار السلطنه باید ملاحظه فرمایند که همیشه امضای

دولت معتبر است چون در مواقع مختلفه نظر با احتیاجات

آنی و فوری که قرض را ایجاد می کرده است دولت يك

استقراراتی نموده

بنابر این بنده تصور می کنم صلاح نیست در

اطراف این قضیه با این ترتیبی که آقای مستشار

السلطنه می فرمایند داخل مذاکره شویم

بعلاوه يك استقراری شده و دولت مسئول ادای

اقساط قروض است حاج تمهیدی می توانیم بکنیم و چه

نظریاتی می توانیم در این قضیه اتخاذ کنیم ؟ آیا

می توانیم شکر شویم ؟ یا می توانیم بگوئیم چرا

دولت قرض کرده ؟ یا می توانیم بگوئیم دولت نباید

این قرض را بدهد ؟

هیچکدام اینها مقتضی نیست بنا بر این همینطور

که بدولت حاضر اطمینان داریم باید عملیات آنها را

هم تصدیق کنیم

رئیس - بدون اینکه بیانات آقای نصیر السلطنه را خواست باشیم تکذیب کنیم باید يك مسئله را تذکر بدیم و آن این است که امضای دولت همیشه معتبر نیست چنانچه چندی قبل اعتبار خوشتر را را در همین جا اظهار کردند باطل است (جمعی گفتند صحیح است)

آقای فہیم الملک

(اجازه)

فہیم الملک - برای استحضار خاطر آقایان لازم

است شرحی عرض شود این مبلغ که از باب اقساط قروض

ذکر شده دو قسم است:

اولاً دولت ایران دو فقره قرضه بدولت انگلیس

دارد یکی قرضه هند است که چهار پنج سال دیگر

تمام می شود و یکی دیگر قرضه سه ۱۹۱۱ است

که دوست و پنجاه هزار لیره است

این دو فقره قرض اصلاً و قرعاً بطور استهلاك

پرداخته می شود که بتصویب مجلس رسیده يك قرض

دیگر هم هست که در دوره قنرت بین دوره دوم و

سوم برای تأسیسات ژاندارمری چند فقره قرض شده

است و ضمناً شرط شده که این وجوه بطور مساعد بابت

يك قرض کلی محسوب میشود و از باب این قروض

فقط فرع داده می شود و اصل داده نمی شود و چون

اصل قرض که ماهیانه یازده هزار و پنجاه و چهار

لیره داده می شود

همین لیره بوده است اقساط آن بنرخ روز

قیمت لیره حساب و پرداخت می شود و صورت مفصلی

دارد که محتاج طبع و توزیع هم نخواهد بود

رئیس - بنده اشتباهاً بجهت ابالی اجازه دادم چون

عضو کمیسیون نیستید

آقای حاجی شیخ اسد الله

(اجازه)

حاجی شیخ اسد الله - راجع باقساط قروض

در کمیسیون اجنالا مذاکراتی شده و گفته شد این قروض

سابق است و در دوره قنرت اگر چیزی گرفته شده

باشد کمیسیون بودجه آن ها را قبول نکرده ولی

نمی دانم گرفته اند یا نکرده اند و اگر در دوره

قنرت قرض گرفته باشند هر کس که گرفته باشند ما آن

ها را بر حسب نمی دانیم و دولت انگلیس بهر کس

یولی داده است خودش می داند با آن شخص

رئیس - مذاکرات کافی است؟

(گفته شد کافی است)

رئیس - پیشنهاد آقای مستشار السلطنه مجدداً

قرائت میشود و رأی می گیریم

(بمضمون مزبور قرائت شد)

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه

می دانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی می گیریم در

خود ماده

آقایانی که ماده سیزدهم را تصویب می کنند

قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

ماده ۱۱ قرائت می شود

(شرح آتی قرائت شد)

ماده ۱۲ برای حمل غله و معبزی و مضارح انتفاعی

ضرابخانه پیشنهادهی دولت ۲۵۰۰۰ تومان تصویب

کمیسیون هم همین مبلغ است

رئیس - آقای مستشار السلطنه

(اجازه)

مستشار السلطنه بنده در این قسمت هم

اعتراض دارم و مخالفم بواسطه آنکه درست از بودجه

جوش اطلاع ندارم بودجه اغلب حضرت همایونی و دربار

سلطنتی را که تصویب کرده ایم موافق آن تصویب

یک جنس بدربار سلطنتی در محل باید داده شود

اداره حمل و نقل نباید متحمل کرایه این جنس بشود

و همچنین در خصوص ادارات رزاق هم اگر ادارات رزاق

این مبلغ را تعجب بخواند می کند با این مطلب هم

مخالف هستم برای اینکه یک عده اسب و قاطر در

وزارت جنگ است که آن ها بدون آنکه کار کنند

بسته شده اند و برای حمل این نوع جنسها که متعلق

به دولت و وزارت مالیه است

البته با دستگاههایی که سهل تر است باید

جنس را از حومه و بلوکات طهران تحویل گرفته

بیاورند بهر کس باید بدهند بدهند

بنابر این بنده هرچه فکر کردم که شدت لزوم

این خرج را بدانند که ما اعتبار بدهیم و جوابی بدهیم

بنده نرسید

وزیر عدلیه - در جواب آقای مستشار السلطنه

اولا باید عرض کنم که این ماده دارای سه خرج است

که از هم جدا و ممتاز است و یک خرجهای حتمی

هم نیست ممکن است نشود این خرج یکی برای

حمل غله و یکی برای مضارح انتفاعی است اشکال

ایشان راجع بود به حمل غله و بالاخره راه حلی که

پیدا کردند فرمودند شترها و قاطرهای وزارت جنگ

آنها را حمل کنند و طهران بیاورند و تصور فرمودند

این قسمت فقط مربوط به طهران است و یا آنکه

وزارت جنگ یک شترها و قاطرهای بیگاری دارد که

مشغول جنس کشی بشوند تفاوت وزارت جنگ حالیه

با وزارت جنگهای سابق این است که هیچ چیز بیکار

ندارد همانطور که قشون بیکار ندارد قاطر و شتر بیکار

هم ندارد ثانیاً عرض می کنم که در ولایات هم جنس

هست و برای اطلاع نماینده محترم عرض می کنم که

جنسهای مالیاتی ما بر دو قسم است جنس بار کرده و

جنس بار نکرده جنس بار کرده یک دایره مرتبی

دارد که تقریباً سه فرسخ به حمل جمع آوری جنس بانبار

مانده مالیات دهنده مکلف است که جنس خود را

بار کرده و بر کرانبار غله تحویل بدهد ولی عدالت

اقتضای این را ندارد یک رعبت بیچاره که باید متحمل

زراعت باشد و اداری کند که جنس خود را از بیست

فرسخ راه بار کند و بیاورد تحویل انبار بدهد این

بر خلاف حق عدالت و بر خلاف حمایت از رعیت است

پس بنا بر این چه باید کرد باید همان دولتی که مالیات

جنسی دارد باید قبول زحمت کند و یک پولی از باب

کرایه بدهد و جنس خود را بهر کجا که می خواهد حمل

کند غیر از این هر چه گفته شود منطقی نیست لذا برای

حمل این قبیل مالیاتهای جنسی و برای اینکه بودجه

کاملتر نوشته بشود دولت مجبور است حتی الامکان

این قبیل مضارح واقعی با تقریبی خودش را پیش بینی

کند برای حمل جنس هم البته یک مبلغی در ضمن این

اعتبار ممکن است خرج بشود و ممکن است خرج نشود

ولی مبلغ حقیقی این ماده فقط در ضمن لایحه تاریخ

بودجه همین میشود پس یک قسمت از این پول مربوط

به کرایه حمل جنس میشود یعنی همان مالیاتهای جنسی

که دولت درم کز ولایات دارد و مجبور است بانبار

حمل کند قسمت دیگر راجع به معبزی است فرض بفرمایند

که از فلان ده شکایت از ولایات مالیات یا از محل نیامدن

معمول میرسد مالی مخصوص در این مورد که چه صدقاتی

بواسطه جنگ بین المللی بقرام و دهات ما وارد شده

است این شکایت هر روز میرسد آیا دولت باید بگوید

که من گوش بظلم شما که رعایا هستید نمی دهم و

مجبور هستید اگر چه هم خراب باشد مالیات را بدهید

خیال بدهد دولت مجبور است مأمورینی اعزام کند و

رسیدگی نموده و تحقیق نمایند که این ده خراب است

آیا دولت چقدر مالیات باید گرفت چقدر باید تخفیف

داد تمام اینها یک مضارحی است که البته در ضمن

بودجه باید معین شود و بنام مضارح پیش بینی نشده

اعتباری در بودجه پیش بینی شده یک مسئله دیگر مضارح

ضرابخانه است که متأسفانه یکی از منابع عایدات ما

است و فعلاً تعطیل شده و این یک ضروری است که در

این مدت بهما وارد آمده و دولت حاضر - می دارد

حتی الامکان در تأسیس ضرابخانه جدید بعمل آورد

و شاید از این راه بر عایدات مملکت اضافه شود و مضارح

ضرابخانه منحصر آ محدود حقوق اعضاء و اجزاء آن

نیست بلکه ذغال می خواهد سوخت می خواهد نان و

غیره این نوع مضارح جزء مضارح انتفاعی ضرابخانه

محسوب می شود تمام این سه قلم را بهر ترتیب دولت جمع

نمود و برای تمام آنها ۲۵۰ دوست و پنجاه هزار

تومان اعتبار خواسته و ممکن است در موقع پیشنهاده

نمودن وجه قطعی این سه ماده هم از هم مجزی شده

و برای هر یک از مضارح حمل غله و مضارح معبزی و

مضارح انتفاعی ضرابخانه جدا گانه اعتبار خواسته شود

و در هر حال بنده خیال می کنم که این مواد ۱-۳-۴-۵

موادی است که قابل مذاکره نمی باشد علی الخصوص

در ماده اخیر که راجع به اعتباری است که به دولت داده

می شود و معلوم نیست مضارح این اعتبار چه خواهد

بود و البته مضارح آن در ضمن قانون تاریخ بودجه

تقديم مجلس خواهد شد بنا بر این بنده هیچ اشکالی

در تصویب این ماده نمی بینم

رئیس - آقای کاژرانی اجازه

کاژرانی - بنده موافق با فرمایشات آقای

وزیر عدلیه هستم

رئیس - آقای سهام السلطان

سهام السلطان - بنده هم موافقم

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد

دولت آبادی

حاج میرزا علی محمد - بنده هم بعد از

فرمایشات آقای وزیر عدلیه موافق شدم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

محمد هاشم میرزا - بنده هم موافقم

رئیس - آقای حاج نصیر السلطنه هم

موافقت ؟

حاج نصیر السلطنه - بلی

رئیس - آقای زنجانى چطور ؟

آقای زنجانى - بنده مخالفم

رئیس - بفرمایند

زنجانى - بنده عضو کمیسیون هستم و در

کمیسیون هم مخالف بودم صورتی برای مضارح حمل

غله از طرف دولت پیشنهاد شده بود و مضارح معبزی

و ضرابخانه هم اضافه شده بنده عرض کردم این مضارح

حمل غله برای کجا است و ترتیب آن چیست و چه

فایده دارد ؟

در صورتیکه خود می دانستم زیرا از خارج شنیده

بودم و می دانستم که یک مقدار غله از ولایات بطنهران

حمل میشود و کرایه آنهم تحویل بر مالیه مملکت می

شود در صورتیکه خود ولایات گرسنه میمانند و مخصوصاً

باندازه قیمت جنس کرایه داده میشود برای اینکه

طهران در رفاه باشد و یقیناً حساب مضارح حمل آن

هم بطور صحت نیست و فایده از آن میبرد که حمل

میتواند و در حساب دولت زیادهای منظور می دارند آقای

وزیر عدلیه فرمودند در جاهایی که مالیات جنسی گرفته

میشود آن اجناس را حمل بانبار های غله می کنند بنده

آنچه دیده ام یا این بوده است که حمل نموده اند بلکه

در همانجا ها بفروش رسانیده اند و یا اگر همه حمل

کرده اند ابتدا پول کرایه نداده اند بلکه رعیت خودش

باید آن را حمل نموده و اگر کس بیاورد او را کتک

هم میزنند و کم بودش را هم میگویند و کرایه هم

نمی دهند ولی همانطور که عرض کردم اغلب هم انبار

می کنند و در همان محل خود بهتر فروخته میشود می

فروشد و این مسئله اسباب دخلی برای امنای مالیه

شده است

باری هر چه در کمیسیون توضیح خواستم چون

خود وزیر مالیه سابق چندان اطلاعی نداشت نتوانست

توضیح بدهد می گویند این انبار برای این است که

بر رعیت ظلم نشود و بحال رعیت ترحم نمایند و اجناس

را حمل نموده برای رفاهیت مردم انبار نمایند بلی اگر

اینطور بوده بنده هم این اعتبار را تصویب می کردم

یکی چون بنده از اساس مطلب مطلع ام باین جهت مخالفم

مگر اینکه یک صورتی داده شود که از فلان مکان

فلان مقدار جنس بایستی حمل شود و قیمت حمل آنهم

فلان مقدار است والا این حرفها کلیه بی اساس است

مثل این است که می گویند فلانجا پاخی شد قشون

فرستادیم پول بدهید و همینطور خرج تراشی میکنند

باز اینکه میگویند فلانجا خراب شده مردم زیر آوار

میروند پول بدهند تعمیر کنیم عاقبت بعد از تحقیق

معلوم میشود اساس صحیحی نداشته است باری اگر

صورت جزو این اعتبار معلوم باشد بنده موافقم والا

موافقت نخواهم کرد

رئیس - آقای سهام السلطان

(اجازه)

سهام السلطان - همانطور که آقای زنجانى

فرمودند در کمیسیون بودند بنده هم عضو کمیسیون

هستم و در همان موقع وزیر مالیه توضیح خواستم و

ایشان توضیحاتی دادند که تا یک اندازه اعزاء کمیسیون را

قانع نمود و الا حمل غله از دو نقطه میشود یکی برای مرکز

دیگری در ایالات و ولایات و اینکه آقای وزیر عدلیه

فرمودند تاسه فرسخ خود را یا حمل نمایند این مسئله

هم عمومیت ندارد در بعضی نقاط ابتدا این ترتیب

مرسوم نیست و فقط دولت حق دارد از دهی که مالیات

جنسی باید بپردازد و جنس خود را دریافت نماید و رعیت

مجبور نیست آن جنس را بهر کز ایالات یا ولایات حمل

نموده و در انبار غله تحویل بدهد دیگر قسمتی است که

برای مصرف خباز خانه بطنهران حمل میشود دولت

این اعتبار را برای حمل این دو قسمت درخواست

نموده که در مدت سال بابت کرایه پرداخته و بعد صورت

بدهند و اگر هم کس آمد کسری آن را به مجلس پیشنهاد

نموده و اعتبار خواهد خواست در صورت بایستی این

غبار داده شود زیرا ممکن است در موقع بتواند

جنس خود را به صرف رساند و اگر در مجلس بماند ضرر

دولت فراهم می شود مرکز هم دچار سختی خواهد شد

باین جهات بود که کمیسیون بودجه متقاعد شده و این اعتبار

را تصویب نمود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب مغالید

آقا سید یعقوب - بلی

رئیس - بفرمایند

آقا سید یعقوب - این شرحی که آقای وزیر

عدلیه بیان فرمودند بنده را قانع نکرد زیرا این

مسئله که فرمودند با جزء بودجه وزارتخانه است و یا

جزو اعتبار مضارح پیش بینی نشده مملکت بنده دیگر

تصویب اعتبار جدا گانه را برای آن نمی فهمم مایک

ملیون و شصت هزار تومان برای وزارت مالیه رأی

دادیم خوب است مضارح انتفاعی ضرابخانه و معبزی و حمل غله

که جزو وزارت مالیه است در جزء بودجه و وزارت مالیه محسوب

داریم و یک ماده جدا گانه لازم ندارد گذشته از این که

بنده نمی دانم مأمورین مالیه در ولایات چه بهر مردم

می آورند و با چه فشار غله را بهر کز حمل می نمایند

متنهی چون وزیر مالیه یک میلیون و شصت هزار تومان

برای وزارت مالیه پیشنهاد نموده خجالت کشیده که

این مبلغ را هم علاوه بر بودجه وزارت مالیه منظور

دارد ممکن است این مبلغ را در جزء اعتبار کلی

قانون

دولت که ماده ۱۵ است منظور داحت و در آنجا که

۹۰۰ هزار تومان بدولت اعتبار داده شده و این ماده هم

چون جزو اعتبارات است جزو آن ماده ذکر شود

وزیر عدلیه - متأسفانه نظر آقای آقا سید

یعقوب سائب نیست و لزوماً خاطر آقایان زنجانى و

آقا سید یعقوب را باین نکته متوجه نمیکند در

صورتیکه ما تمهیداتی را که فرمودند تصدیق نمائیم بیشتر

مازم میشویم یک چنین اعتباری را تصویب نمائیم زیرا

اگر این پول را تصویب نمائیم در حکم این است که

اجازه بدهیم همان ترتیب سابق برقرار باشد قبل از

آنکه بامور مالیه بگوئیم که توجیه نداری کرایه به

رعایا ندی باید اعتباری برای مصارف کرایه معین

نمائید و بعد بگوئید در صورتیکه اعتبار معین نموده ایم

چرا حمل جنس را بر عایا تحمیل نموده و ظلم مینمائی

بنا بر این بایستی در بودجه برای اینگونه امور یک

اعتبار خاصی منظور داشت تا حتی المقدور از تعدیات

جلوگیری شود اما اینک فرمودند ما در ماده پنجم

برای وزارت مالیه یک حقوقی تصویب نمودیم این ماده

هم بایستی در جزء همان اعتبار منظور شود بنده عرض

می کنم بایستی فراموش نمود که پولی که مجلس برای

برای وزارت مالیه تصویب نمود برای مواجب و حقوق

اعضاء و اجزاء بود و همچنین بایستی فراموش نمود که

کمیسیون بودجه از (۲۳۲۵۰۰۲۵) تومان پیشنهادی

دولت فقط (۲۴۰۰۰۰۰) تومان آن را تصویب و

ما بقی را رد کرد حالا سر کار میفرمایند که اعتبار محل

جنس و مضارح انتفاعی ضرابخانه و غیره را هم در جزء

همین مبلغ منظور داریم ؟ این مسئله غیر ممکن است

و اما اینکه فرمودید این مبلغ در ضمن اعتبار کلی دولت

منظور شده بنده گمان میکنم از نقطه نظر بودجه باید

برعکس تقاضای نماینده محترم رفتار کرد زیرا اقلام

اعتبارات هر چه منفرد تر هر چه روشن تر محدود تر

باشد بمقتضای بنده خیلی بهتر است و موجبات نظارت

مجلس شورای ملی بیشتر تأمین می شود و اگر دولت چنین

پیشنهادی می کرد آقایان نمایندگان باید خودشان

تقاضای تجزیه می نمودند بنا بر این دولت برای حمل

جنس و معبزی و ضرابخانه تقاضای اعتبار جدا گانه نمود

علی الخصوص که گمان میکنم ماده یا نزد هم با اصلاحاتی

که شده مورد پیدا نماید این است که بمقتضای بنده

ماده چهاردهم باید در جای خود باقی باشد

رئیس - آقایان مذاکرات را در ماده ۱۴

کافی نمیدانند ؟

(اغلب گفتند کافی است)

رئیس - رأی می گیریم بماده ۱۴ آقایانیکه

ماده چهاردهم ضمیمه را تصویب می کند قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۵ قرائت میشود

(آقای تدین بهضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده ۱۵ - برای مضارح عمومی پیش بینی نشده

مملکتی پیشنهادی دولت و تصویب کمیسیون بودجه هر دو

نهمد و پنجاه هزار تومان مطابق شرط ماده ۵

قانون

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - اگر چه بنده از این ماده

اخیری که آقای وزیر عدلیه راجع به از میان رفتن ماده

۱۵ فرمودند خیلی خوشحال شدم ولی اگر این ماده

به حال خود باقی باشد بنده عرض می کنم این ماده برای

مضارح پیش بینی نشده نوشته شده بنا بر این ما چگونه

می توانیم رأی بجهول بدهیم در صورتی که اول تا

آخر این لایحه برای تمام مضارح کلی و جزئی از

حقوق شاه معلوم و شاه و ولایت عهد و غیره

اعتباری معین نموده ایم دیگر چیزی در نظر نداشته که

دوباره ۹۰۰ هزار تومان بدولت اعتبار بدهیم هر وقت

دولت خواست خرجی خارج از بودجه بشاید ممکن

است لایحه اش را به مجلس تقدیم نماید و الا در صورتی

که ما برای هر خرجی اعتباری داده ایم و برای هر یک

از وزارتخانهها اعتبار علیحده یا بوجه جدا گانه منظور

داشته ایم دیگر بنده از مضارح پیش بینی نشده چیزی

نمی فهمم اگر توضیحی دارند بدهند که بنده خیلی ممنون

می شوم

وزیر عدلیه - اولاً برای آقا سوه نفاغی

در هر ایش بنده واقع شد بنده عرض کردم ماده ۱۵

از بین می رود بنده عرض کردم این ماده مورد

عمل واقع نخواهد شد مخصوصاً خاطر نماینده

محترم را بماده هشتم رابرت کمیسیون بودجه جلب

لذا بنده تصور می‌کنم که سایر وزارتخانه‌ها هم به‌طور اعتباری: مخصوص در جزو بودجه برای خودشان منظور داشته‌اند بنابراین باین اعتبارات جداگانه دیگر موضوعی برای این اعتبار کل باقی نمی‌ماند و اگر مخارج فوق‌العاده پیش بیاید البته بایستی به مجلس پیشنهاد نمایند والا بهر یک از وزارت‌خانه‌ها یک اعتبار مخصوص داده شده است و وزیر می‌تواند به مسئولیت خود بمصارف لازم برساند و اگر کلیه آنها را جمع نمائیم خودش یک اعتبار کلی می‌شود و دیگر بهر محتاج باعتبار ۹۵۰ هزار تومان نخواهد بود و اگر مخارج فوق‌العاده برای دولت اتفاق افتاد به مجلس پیشنهاد نموده و بعد از تصویب مجلس بمصارف لازم خواهد رسانید.

رئیس - آقای محقق‌العلماء (اجازه)

محقق‌العلماء - بنده باین ماده مخالفم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - گویا آقایان ملتفت باشند اعتباری که برای هر یک از وزارتخانه‌ها منظور شده برای مخارج پیش‌بینی نشده، همان وزارتخانه است مثلاً از وزارت معارف این اعتبار برای این است که اگر مثلاً وقتی خواست یک مدرسه تازه تأسیس نماید بتواند مخارج آنرا از همین اعتبار بپردازد ولی اعتبار کلی که بدولت داده می‌شود مخصوص یک وزارتخانه نیست راجع بمخارج کلی مملکت است ممکن است این اعتبار برای وزارت جنگ یا وزارت داخله لازم شود یا برای یک تأسیس مملکتی که هیچ اختصاص بیک وزارتخانه نداشته باشد لازم شود و علاوه همانطور که توضیح دادند مقصود از این اعتبار اینست که فی‌الوقت مبلغ آن اعتبار را خرج کنند بلکه مقصود تعدیل بودجه مملکتی است که به‌تدریج مخارج و مخارج عایدی داریم یک مخارجی هست که در هر یک از وزارتخانه‌ها موسوم و معمول است و ممکن است در هر سال اتفاق بیفتد این است که آن مخارج را برای هر وزارتخانه منظور داشته‌ایم ولی یک مخارجی است که سابقه ندارد و ممکن است در مملکت لازم شود و چون حد معینی برای آن نمی‌توان بطریق قطع پیش‌بینی نمود این است که حداکثر آنرا ۹۵۰ هزار تومان معین نمودیم حالا به ترتیب این ۹۵۰ هزار تومان باید خرج شود این یک مطلبی است که در هر موقعی که بودجه جزو به مجلس بیاید مذاکره خواهد شد و هر طوریکه آقایان صلاح بدانند بمصرف خواهد رسید بنابراین این اعتبار برای مخارج کلی پیش‌بینی نشده مملکتی است و هیچ ربطی بموضوع اعتبارات جزئی وزارت‌خانه‌ها ندارد.

رئیس - آقای محقق‌العلماء (اجازه)

محقق‌العلماء - بنده باین ماده مخالفم اگر این مبلغ اعتباری است که بعد باید بودجه جزئی به مجلس بیاید بنده موافقم ولی اگر مطابق ماده پنجم راجع به کمیسیون بودجه دولت مجاز باشد در هر ماه تا میزان ۴۰۰ هزار تومان از این مبلغ را مطابق

تصویب نامه های هیئت وزراء تأیید نموده مازاد آن اگر لازم باشد با اجازه مجلس خرج نشود مخالفم باز تکرار عرض میکنم اگر تمام این مخارج با اجازه مجلس باشد موافقم و اگر مطابق ماده پنجم قسمتی از آن با اجازه مجلس نباشد مخالفم رأی بندهم

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - اگر همین ماده پنجم را بدقت ملاحظه فرمائید خواهید دید که بمصرف پنجده هزار تومان برای مخارج پیش‌بینی نشده بدولت اعتبار داده میشود و این یک مخارجی است که فعلانی - توان پیش‌بینی نمود چنانکه در طرف همین مدت یک مخارجی از قبیل تعمیر سد جاجرود و غیره پیش آمده و از طرف دولت پیشنهاد شد و مجلس هم تصویب نمود و اگر دولت بخواند هر یک از این مخارج را ابتدا پیشنهاد نماید و بعد از تصویب مجلس بمصارف لازم برساند ممکن است اسباب تأخیر کار و خسارت دولت شود بنابراین کمیسیون بودجه راجع بتصویب ۹۵۰ هزار تومان دو شرط نموده یکی آنکه دولت در هر ماهی بیش از ۴۰۰ هزار تومان مطابق تصویب نامهای هیئت وزراء حق ندارد از این مبلغ بمصرف برساند دیگر آنکه وزارت مالیه باید در آخر هر برج صورت جزو مخارجی که مطابق همان تصویب نامها بمصرف رسیده است تقدیم مجلس نماید و اگر مخارجی بیش از ۴۰۰ هزار تومان لازم باشد باید به مجلس پیشنهاد نمود و بعد از تصویب مجلس خرج خود بنا بر این در واقع دولت می‌تواند ماهی ۴۰۰ هزار تومان بموجب تصویب نامه هیئت وزراء برای مخارج لازم به وزارت مالیه حواله دهد و وزارت مالیه مجبور است در آخر هر برج صورت جزو آن را تقدیم مجلس نماید پس منظور داشتن این مبلغ اولاً برای تعدیل بودجه و ثانیاً برای مخارج لازم پیش‌بینی نشده است و این مخارج هم بدو قسمت تقسیم میشود یکی مخارج فوری و ضروری است که دولت بموجب تصویب نامه خرج نموده و وزارت مالیه در آخر هر برج صورت جزو آنرا تقدیم مجلس بنماید... و دیگر مخارج غیر فوری که پس از تصویب مجلس به مصرف خواهد رسید

وزیر عدلیه - اصلاً باید قدری در اطراف

این مسئله دقت شود تا مطلب مفهوم شود همانطور که آقای سهام السلطان راجع بطرز مخارج بیان فرمودند این ماده فعلاً مورد ندارد و بعضی احتیاج هم نیست و مبلغی که ممکن است تا موقع تقدیم بودجه های جزو مجلس احتیاج دولت واقع شود همان پنجده هزار تومانی است که در ماده هشتم ذکر شد حالا ممکن است بمانندگان محترم سؤال کنند که این ماده برای چه پیشنهاد شده منظور داشتن این ماده فقط برای این است که یک رقمی باشد که از نقطه بهای هم گذاردن ارقام عمومی و تعیین میزان کلی بودجه برای تعدیل بودجه مملکتی این رقم هم برای مخارج پیش‌بینی نشده منظور شده باشد و اما راجع بطرز طرح آن تمام اینها منوط بتصویب خاص مجلس شورای ملی است که در

آیه در موضوع تقدیم جزء مذاکره و تصویب خواهد شد ولی عملاً پولی که از خزانه دولت خرج خواهد شد فقط همان مبلغ پنجده هزار تومان اعتباری است که در ماده هشتم ذکر شده این نکته را هم باید عرض کنم که چنانکه در مواقع مختلف پیش آمده یکی از تصویبات قطعی دولت حاضره تعاضی فوق‌العاده از توسل بمصدور تصویب نامه‌ها است دولت حاضره در نظر دارد که برای هیچ مبلغی تصویب نامه صادر ننماید زیرا تأدیبه هر نوع وجهی بموجب تصویب نامه بر خلاف قانون است و همچنین دولت حاضره تصمیم قطعی دارد که موجبات نظارت کامل مجلس شورای ملی را در مالیه مملکت بطرز کامل تهیه نماید لذا همیشه اجراء خواهد داشت (و باین ترتیب هم عمل خواهد کرد) که مخارج مملکتی در حدود بودجه مصوب مجلس شورای ملی باشد بنابراین از این حیث نگرانی نمایندگان محترم مرتفع خواهد شد پس منظور از داشتن این مبلغ نهصد و پنجاه هزار تومان که در این ماده ذکر شده از نقطه نظر خرج کردن نیست بلکه از نقطه نظر تشخیص یک رقمی است برای تعدیل و تهیه بودجه مملکتی و عملاً پولی که فعلاً بمصرف خواهد رسید همان مبلغ پنجده هزار تومان است که در ماده هشتم ذکر شده و گمان میکنم با این ترتیب دیگر محل مذاکره باقی نباشد

رئیس - آقای مستشار السلطنه

(اجازه)

مستشار السلطنه - بنده با این توضیحات آقای وزیر عدلیه می‌بینم درست این توضیحات برای بنده و مخالفین این ماده دلیل هست زیرا در صورتیکه می‌فرمایند دولت در نظر دارد فقط پنجده هزار تومان خرج کند و آنهم از تصویب مجلس گذشته یا می‌گذرد دیگر بنده نمی‌دانم این اعتبار که جزء وزارتخانه هم نیست برای چیست در صورتیکه دولت میخواهد بودجه مملکت تعدیل شود شهادت این نظریه اش قابل تقدیس است و حتی الامکان سعی دارد که حد اقل مخارج را در نظر بگیرد خوب است این اعتبار را هم مساعدت بفرمایند حذف شود که تعدیل حقیقی بعمل آید بنابراین اعتبار نهصد و پنجاه هزار تومان زائد و از معدود داشتن دولت در چهار دیواری خارج است و همانطور که وجوه جزئی سه چهارم از تومانی نمایندگان تصویب میکنند در آنهم دولت هر چه اعتبار خواهد تصویب خواهد کرد پس خوب است حال مساعدت بفرمایند که تعدیل حقیقی در بودجه بعمل آید

رئیس - چون جمعی از آقایان اجازه خواسته‌اند

اگر مخالفی نباشد بقیه مذاکرات به جلسه آینده موکول شود

(گفته شد صحیح است)

رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده است

فرائت میشود

(پیشنهادی از طرف آقای تدین

مضمون ذیل فرائت شد)

نظر بامیت کمیسیون خارجه و اینکه غالباً بعضی

از اعضای آن حاضر نمی‌هوند پیشنهاد می‌نمایم که یک نفر علاوه بر همه اعضای کمیسیون مزبور از طرف مجلس انتخاب شود

رئیس - در این باب مخالفی هست

(اظهاری نشد)

رئیس - چون مخالفی نیست بنا بر این یک نفر بر امضاء کمیسیون خارجه اضافه میشود پس از آنکه جلسه ختم شد انتخاب خواهند فرمود

وزیر عدلیه - بنده هم از نمایندگان محترم استدعا می‌کنم که چون دولت بعضی کارهایی دارد که باید یک کمیسیون خارجه رجوع نماید اقدامی فرمایند که هر چه زودتر بقیه اعضای کمیسیون خارجه تعیین شوند و این مسئله یک کمکی است که بدولت فرموده‌اند

رئیس - پیشنهاد دیگری است راجع به کمیسیون عدلیه که از طرف آقای عماد السلطنه طباطبائی پیشنهاد شده فرائت میشود

(مضمون ذیل فرائت شد)

این بنده پیشنهاد می‌نمایم شش نفر دیگر به کمیسیون عدلیه علاوه شود که کلیه امضاء کمیسیون مزبور چهارده نفر شود

رئیس - این پیشنهاد مخالف ماده نظامنامه داخلی است زیرا نظامنامه حداکثر امضاء کمیسیون عدلیه را ۱۲ نفر معین می‌نماید

عماد السلطنه - دوازده نفر نوشته شود

وزیر عدلیه - این تقاضا سابقاً هم از طرف

آقای رئیس الوزرا شده بود که امضاء کمیسیون عدلیه

دوازده نفر شوند

رئیس - مخالفی نیست

(گفته شد غیر)

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله از آقای

وزیر عدلیه سؤالی دارند

حاج شیخ اسدالله - بنده دو سؤال از

آقای وزیر عدلیه دارم سؤال اول را عرض می‌کنم و بعد از آنکه جواب فرمودند به سؤال دوم میرد از اداره ثبت ا. ناد مدتی بود در مرکز دائر بود و به تفاوت معادل ازدوای چهار هزار تومان عایدی داشت و حقوقش هم به هزار تومان میرسید این اداره را دولت بامید آنکه یک اداره ثبت اسنادی که نفع از آن باشد در وزارت عدلیه تشکیل بدهد منعزل کرد و فعلاً یک قانونی برای ثبت اسناد پیشنهاد نموده‌اند که بایستی از مجلس بگذرد اداره ثبت اسناد حالیه چون قانون ندارد کار نمیکند لذا میخواهم سؤال کنم که آیا وزارت عدلیه در این خصوص چه نظریه دارد آیا خیال دارد این اداره ثبت اسناد را به همین حال باقی بگذارد تا قانون از مجلس بگذرد و یا میخواهند اداره ثبت اسناد قدیم را دائر نمایند که عجلتاً مشغول کار باشد تا قانون جدید از تصویب مجلس بگذرد و وزیر عدلیه در نظر دارد همان اداره ثبت اسناد قدیم برقرار باشد تا قانون آن از مجلس بگذرد

حاج شیخ اسدالله - سؤال دیگری داشتم راجع باعلان امتحانی که چندی است از طرف وزارت عدلیه منتشر شده ولی این اولین قدمی است که بطرف اجرای قانون برداشته میشود ولی دومین همین حال باز شنیده میشود که وزیر عدلیه در نظر دارد برخلاف دستخط تشکیلات بعضی استثنائات در این موقع قائل شود اگرچه این خبر هنوز رسمی نشده و خبر صحیحی در این باب ندارم ولی میخواهم به‌بینم راجع با امتحان آیا بطور کلی تمام امضاء وزارت عدلیه باید امتحان بدهند تا سابقه و امتیاز قضایی بوضع عمل گذارده شود

وزیر عدلیه - جواب سؤال نماینده محترم

را قانون مینماید بنده هر چه ماده ۱۴۷ قانون تشکیلات

معین کرده است همان را مطاع دانسته و ازاده هیچکس

را فوق اراده قانون نمیدانم فقره چهارم از ماده ۱۴۷

اول دادن امتحان را برای خدمت در عدلیه واجب و لازم

شمرده بطوریکه در یک مورد دیگر هم در همین جا

عرض کردم بنده خود را مکلف با اجرای قانون می‌دانم و اگر ترتیبی حاصل شود که یک قدم از قانون تخلف شود آنوقت دیگر بنده وزیر عدلیه نخواهم بود ماده ۱۴۷ میگوید اولاً هر کس میخواهد در عدلیه خدمت کند باید مطابق قانون امتحان بدهد و قوتی امتحان داد داخل در عدلیه بشود در جزو چهارم شرایط استخدام را خود ماده تصریح میکند که روساء و امضاء محاکم و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه باید کلاً دارای شرایط ذیل باشند اولاً تابعیت ایران ثانیاً دین اسلام ثالثاً نسبت کمتر از آنچه در ذیل معین میشود باشد و رابعاً دادن امتحانات علمی و عملی در انجمن امتحان وزارت عدلیه موافق پروگرامی که وزیر عدلیه مرتب و بعد از گذشتن از مقامات لازم طبع و اعلان خواهد کرد

مادامی که مدرسه حقوق تأسیس و امضاء واجزاء برای محاکم و ادارات عدلیه تهیه نشده است بنا بر این قانون برای من استثناء بردار نیست قانون معین کرده

است که غیر از کسانی که از مدرسه حقوق فارغ التحصیل شده باشند یعنی دوره سه ساله مدرسه حقوق را تمام کرده باشند تمام اشخاصی که میخواهند داخل عدلیه شوند باید امتحان بدهند و این مسئله هم حق را از کسی سلب نمی‌نماید زیرا مدارس مأموماً برای مشاغل عمومی اجزاء تهیه مینماید ولی در عین حال ممکن است یک وزارت خانه برای بعضی احتیاجات خود محتاج باعضای خاصی باشد و این مسئله لطمه یکسی وارد نمی‌آورد بظاهر این باستانی فارغ التحصیل های مدرسه حقوق مادام که بنده وزیر عدلیه هستم تمام حکسانی که میخواهند داخل وزارت عدلیه بشوند باید مطابق فقره چهارم این ماده امتحان بدهند

رئیس - جلسه آیه روز پنجشنبه دو ساعت

قبل از غروب و دستور آن مذاکرات در راپورت کمیسیون

بودجه خواهد بود

مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد

مؤمن الملک